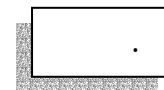


•  
•

•  
•





حدود و نحوه دخالت دولت در اقتصاد همواره موضوع بحث و مجادله بسیار میان اقتصاددانان بوده است. اندیشه اقتصاددانان کلاسیک که معتقد به نقش بسیار محدود دولت در اقتصاد بودند در دهه‌های اول و دوم قرن بیستم میلادی اندیشه غالب بود و همچون محوری، بسیاری از سیاست‌های اقتصادی را حول خود شکل می‌داد.

پس از جنگ جهانی اول و به ویژه پس از بحران بزرگ ۱۹۲۹-۱۹۳۳ میلادی تأثیرگذاری سیاست‌های مورد نظر مکتب کلاسیک مورد تردید قرار گرفت و لزوم دخالت گسترده‌تر دولت در امور اقتصادی بیش از گذشته احساس شد. براساس تئوری‌های جدید توسعه اقتصادی لازم بود که دولت‌های کشورهای در حال توسعه در امور اقتصادی دخالتی جدی کرده و وظایف سنگین‌تری را برعهده گیرند. نتیجه آن شد که در کشورهای در حال توسعه، بسیاری از امور به عهده دولت گذارده شد و طی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی بخش دولتی در این کشورها توسعه بسیاری یافت.

یکی از ابزارهای مهم دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی این کشورها ایجاد بنگاه‌های اقتصادی تحت مالکیت دولت بود. بدین دلیل در بسیاری از این کشورها، بنگاه‌های متعدد با اهداف و وظایف مختلف به وجود آمدند و با سرعت بسیار رشد یافتند لکن مشکلات متعددی نظیر عدم کارایی اقتصادی، تخصیص نامطلوب منابع، زیاندهی فراوان این شرکت‌ها، فشار بر منابع مالی دولت (و در نتیجه افزایش کسری بودجه آن)، اعمال نظر گروه‌های سیاسی در اداره شرکت‌ها و... موجب گردید که این‌گونه شرکت‌ها در حصول اهداف مورد نظر ناموفق عمل کرده و در نتیجه عدم کارایی در فعالیتهای اقتصادی جامعه گسترش یابد.

با آشکار شدن مشکلات ناشی از فعالیت شرکت‌های دولتی، واگذاری این شرکت‌ها به بخش خصوصی و کناره‌گیری دولت از فعالیتهای اقتصادی به‌عنوان

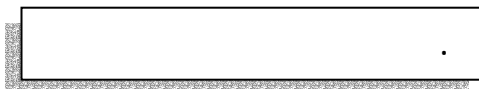


یکی از راه‌حل‌های مواجهه با این بحران مطرح گردید. در واقع خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی در دهه ۱۹۸۰ آنتی‌تز وقایع و روندهایی است که در فعالیت‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رخ داد.

پیشگام اجرای سیاست خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی در میان کشورهای توسعه یافته انگلستان بود و پس از آن نیز کشورهای فرانسه، ایتالیا و آلمان بیش‌ترین تلاش را در این زمینه انجام داده‌اند. در میان کشورهای در حال توسعه نیز برزیل، شیلی و مکزیک در امریکای لاتین، ترکیه، پاکستان، هندوستان، سریلانکا، تایلند، سنگاپور در آسیا و تانزانیا، مصر، الجزایر، غنا، مراکش و ساحل عاج در آفریقا از جمله کشورهای پیشگام در اجرای سیاست خصوصی‌سازی بوده‌اند.

در ایران پس از انقلاب مباحث مربوط به خصوصی‌سازی از سال ۱۳۷۰ به طور جدی مطرح شد که تاکنون با فراز و نشیب‌های بسیار ادامه دارد. در این گزارش به طور مختصر اهداف، روش‌های واگذاری، نحوه استفاده از درآمد حاصله و چگونگی اجرا و نظارت بر این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است.

در پایان گزارش رویکردهای ممکن در تدوین قانون خصوصی‌سازی (ارائه شده توسط بانک جهانی) ذکر گردیده است.



(

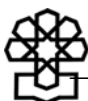
به‌طور کلی ویژگی‌های رفتاری بنگاه‌های فعال در بخش‌های دولتی و خصوصی را می‌توان در زمینه‌های زیر با یکدیگر مقایسه کرد:



۱. رفتار مالی	دارای خودمختاری کامل	وابستگی کامل یا حداقل زیاد به بودجه دولت
۲. اهداف تجاری	روشن و مشخص	مبهم، متعدد و متضاد
۳. سودآوری	اصلی‌ترین هدف بنگاه	به دلیل وجود اهداف اجتماعی تأکید بر آن اندک و زیاندهی بنگاه توجیه می‌شود.
۴. استقلال عملیاتی	وجود استقلال عملیاتی کامل	تحت تأثیر عوامل برون‌زا به ویژه عوامل سیاسی در تصمیم‌گیری‌های عملیاتی
۵. ضوابط ارزیابی عملکرد	استفاده از معیارهایی مانند حجم تولید، میزان فروش، هزینه‌های تولید، قیمت تمام شده	تأکید بر عواملی مانند سطح اشتغال، تثبیت قیمت‌ها، میزان سرمایه‌گذاری و مدنظر قرار ندادن کارایی عمومی.
۶. رقابت‌پذیری	مواجه با رقابت شدید رقبای داخلی و خارجی	مصون از رقابت به دلیل وجود قوانین و مقررات حمایتی

(

خصوصی‌سازی یک سیاست اقتصادی جهت تعادل بخشیدن میان دولت و بازار و البته به نفع بازار است. این حرکت اساساً با هدف افزایش کارایی فعالیت اقتصادی صورت می‌گیرد چرا که به لحاظ تئوریک، خصوصی‌سازی متکی بر این اندیشه است که در محیط بازار و زمانی که شرایط رقابت برقرار است بخش خصوصی به گونه‌ای عمل می‌کند که بیش‌ترین کارایی اقتصادی حاصل می‌شود.



این حرکت از طریق انجام اقداماتی چون تقویت چارچوب نهادی برای اقتصاد بازار (حقوق مالکیت، ساختار سهام شرکت‌ها، ابزارهای حقوقی، نهادهای مالی و...)، آزادسازی و مقررات‌زدایی اقتصادی، توسعه بخش خصوصی و ... انجام می‌شود. البته خصوصی‌سازی دارای تعاریف متعددی است که هر یک بخشی از مفهوم ارائه شده بالا را در بر می‌گیرند. رایج‌ترین تعریف خصوصی‌سازی به تغییر در مالکیت یک بنگاه دولتی به بخش خصوصی اشاره می‌کند. در تعریفی دیگر خصوصی‌سازی شامل آزادسازی یا مقررات‌زدایی و ورود به فعالیت‌هایی است که قبلاً در انحصار بنگاه‌های دولتی بوده و ورود بخش خصوصی به آن توسط قوانین و مقررات مختلف محدود شده است. اما در مجموع می‌توان خصوصی‌سازی یک بنگاه دولتی را این‌گونه تعریف کرد:

دولت‌ها در هر دو گروه کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه (به‌طور اعم) در چارچوب تعاریف و مفاهیم فوق، اهداف ذیل را در امر واگذاری فعالیت‌های اقتصادی‌شان به بخش خصوصی دنبال می‌کنند:

الف) رها کردن بودجه دولت از فشار مالی شرکت‌های دولتی مانند الزامات کمک هزینه و الزامات پرداخت بدهی.

ب) افزایش کارایی شرکت‌های تحت مالکیت دولت.

ج) گسترش مالکیت در بخش خصوصی و مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی.

د) توسعه بازارهای سرمایه در اقتصاد و هدایت پس‌اندازهای مردم به سوی فعالیت‌های تولیدی.



ه) کاهش درجه فعالیت انحصاری در اقتصاد و ایجاد رقابت بیشتر.

(

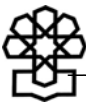
به‌طور کلی مشکلات موجود در اجرای سیاست خصوصی‌سازی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

گروه اول از مخالفان خصوصی‌سازی اتحادیه‌های کارگری هستند چرا که خصوصی‌سازی در اولین مرحله ممکن است موجب کاهش میزان اشتغال شود و از طرفی اتحادیه‌های کارگری از قدرت سیاسی تصمیم‌گیری در بخش خصوصی به‌اندازه بخش دولتی برخوردار نیستند.

گروه دوم که با اجرای برنامه‌های خصوصی‌سازی مخالفت می‌کنند، نخبگان دولتی و نیروهای درون دستگاه دولت هستند. چرا که بنگاه‌های اقتصادی دولتی همیشه طبقه‌ای از رهبران سیاسی و مدیران را به‌وجود می‌آورد که منابع فراوانی چون مشاغل سطح بالای دولتی، پول، موقعیت اجتماعی و قدرت زیاد تصمیم‌گیری را در اختیار داشته و این امکانات به‌آنها اجازه می‌دهد که طیف وسیعی از فعالیت‌ها را کنترل کنند.

: خصوصی‌سازی مستلزم وجود

سطح بالایی از توانایی‌های مدیریتی و اداری است که این توانایی‌ها در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود ندارد، لذا به دلیل فقدان گروه‌های قوی مشاوره‌ای، شرکت‌های حسابرسی و بانک‌های سرمایه‌گذاری به‌منظور ارائه کمک‌های مشاوره‌ای مسائل و مشکلات متعددی در این زمینه بروز می‌کند.



: ارزیابی و قیمت‌گذاری بنگاه‌های

دولتی و دارایی‌های آن به منظور فروش این بنگاه‌ها به بخش خصوصی از دیگر مشکلات اساسی و مهم در فرایند اجرای سیاست خصوصی‌سازی است به خصوص در کشورهای در حال توسعه که فضای اقتصاد کلان و فعالیت‌های اقتصادی به سرعت تغییر می‌کند. اطلاعات مالی کافی و قابل اعتماد وجود ندارد و حساب‌های موجود با استانداردهای تجاری و قابل قبول منطبق نیست. این موانع، ارزیابی و قیمت‌گذاری شرکت‌های دولتی را بسیار مشکل کرده است.

: این هزینه‌ها عبارتند از: بازسازی

مالی یا تجدید ساختار بنگاه‌های دولتی، پرداخت بیمه‌های بیکاری به کارکنانی که در اثر اجرای سیاست خصوصی‌سازی شغل خود را از دست می‌دهند، بازپرداخت یا انتقال بدهی بنگاه به دولت یا بخش خصوصی، هزینه‌های مشاوره‌ای و تأمین منابع مالی برای واگذاری ترجیحی شرکت‌ها به گروه‌های منتخب.

: عدم وجود بازارهای سرمایه قوی و کارا موجب

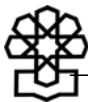
می‌شود که این بازارها قادر به تسهیل فرایند انتقال بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی نباشد. از طرفی عدم توانایی بانک‌های داخلی و بخش خصوصی در تأمین مالی هزینه‌های خرید بنگاه‌ها و عدم مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی در بازار سرمایه از دیگر مشکلات تشدید کننده ضعف بازار سرمایه است.

(

خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی می‌تواند به شیوه‌ها و مکانیسم‌های متفاوتی صورت گیرد. هر یک از انواع روش‌ها در موارد خاص تجویز می‌شود و شرایط متفاوت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر یک کشور در تعیین روش خصوصی‌سازی بسیار مؤثر است. به‌طور کلی عمده‌ترین روش‌های خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی را می‌توان به صورت زیر برشمرد:



- عرضه سهام بنگاه مشمول خصوصی سازی به عموم مردم،
  - عرضه سهام بنگاه مشمول خصوصی سازی به گروه های خاص،
  - فروش دارایی های بنگاه دولتی به افراد و بنگاه های بخش خصوصی،
  - تفکیک واحدهای مشمول خصوصی سازی به واحدهای کوچکتر،
  - جلب مشارکت بخش خصوصی در سرمایه گذاری جدید مورد نیاز بنگاه دولتی،
  - فروش بنگاه دولتی به مدیران و کارکنان بنگاه،
  - عقد قراردادهای واگذاری مدیریت بنگاه یا اجاره دارایی های آن.
- در جداول ۲ تا ۸ ویژگی، روش اجرا، قیمت گذاری، موارد و هدف کاربرد، شرایط مورد نیاز برای اجرا، مسائل و مشکلات اجرایی و مزایای هر یک از روش های هفتگانه فوق به طور خلاصه تشریح شده است.



ویژگی	عرضه سهام به طور آزاد و بدون قید و شرط به عموم مردم
روش اجرا	اگر واحد مشمول واگذاری به تغییر سازمان نیاز داشته باشد تا به شکل واحد خصوصی در آید، باید این تغییر پیش از عرضه سهام به عموم صورت پذیرد در غیر این صورت، تنها باید جریانات و تشریفات عادی عرضه سهام به عموم طی شود
قیمت گذاری	قیمت می تواند ثابت و از پیش اعلام شده یا متغیر و از راه مزایده باشد.
موارد و هدف کاربرد	این روش در مواردی توصیه می شود که شرکت مشمول واگذاری از لحاظ بافت و ساختار از سلامت برخوردار باشد و بتوان به توان سودآوری و درآمدزایی آن اعتماد کرد. هدف از کاربرد این روش، اشاعه مالکیت در ابعاد بسیار گسترده است.
شرایط مورد نیاز برای اجرا	وجود بازار بورس سهام و اوراق بهادار.
مسائل و مشکلات اجرایی	ممکن است شرکت مشمول واگذاری به بازسازی و تجدید سازمان نیاز داشته باشد. این امر باید در مورد هر واحد به طور جداگانه بررسی شده و روش اشاعه مالکیت واحد باید به عنوان یک موضوع اجرایی به دقت بررسی شود و مکانیسم ویژه ای برای توزیع سهام عرضه شده پیشنهاد و ابداع شود.
مزایا	آشکار و قابل ردیابی بودن روش، عمومیت یافتن مالکیت و سهامداری و گسترش امکانات عرضه منابع پس اندازی برای نیازهای سرمایه ای اقتصاد.



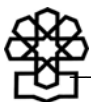
ویژگی	عرضه تمام یا قسمتی از سهام دولتی به یک یا چند شخص حقیقی یا حقوقی. عرضه خصوصی سهام به قصد به فروش رساندن سهام به سرمایه‌گذاران نهادی در این طبقه قرارداد می‌شوند.
روش اجرا	مذاکرات دوجانبه یا مزایده می‌تواند انجام شود. جریان کار می‌تواند از پیش تدوین شده یا انعطاف‌پذیر و متکی به ضوابطی ویژه باشد که در آن پیشنهادها بررسی می‌شود.
قیمت‌گذاری	قیمت می‌تواند ثابت و از پیش اعلام شده یا متغیر و از راه مزایده باشد. پرداخت نیز می‌تواند به صورت یکجا یا قسطی انجام شود.
موارد و هدف کاربرد	وقتی بازار سرمایه و اوراق بهادار وجود نداشته باشد، این روش بسیار جذاب خواهد بود. در مورد سازمان‌هایی که ساختار مالی ضعیفی دارند نیز فروش خصوصی بهتر از عرضه عمومی عمل می‌کند. در مواردی که واحد از نظر اندازه قابل عرضه به عموم نباشد، فروش خصوصی مطلوب‌تر است. در ضمن می‌توان در این حالت مالک یا مالکان جدید را شناسایی و توان آن‌ها را در اداره واحد واگذار شده، از پیش ارزیابی کرد. انعطاف‌پذیری موجود در جریان مذاکرات و امکانات چانه‌زنی هم بر مطلوبیت این روش می‌افزاید.
شرایط مورد نیاز برای اجرا	کلیه دارایی‌ها و بدهی‌های واحد فروخته می‌شود و باید خریداری با توان خرید در بخش خصوصی وجود داشته باشد.
مسائل و مشکلات اجرایی	در مواردی سازمان مشمول واگذاری را باید پیش از انتقال از لحاظ سازمان مالی بازسازی کرد. در جریان کار باید دستورالعمل‌هایی تدوین کرد که واگذاری ملموس و آشکار باشد و امکان سوء استفاده پیش نیاید.
مزایا	مؤثر شدن مالکیت و بروز کردن حالتی که طبقه کارآفرین بتواند فعالیت را در کنترل داشته باشد.



ویژگی	دولت دارایی‌های واحد مشمول واگذاری را به بخش خصوصی می‌فروشد و وجه حاصل از فروش را دریافت می‌دارد. هیچ نوع سهامی در این روش منتقل نمی‌شود.
روش اجرا	فروش مستقیم دارایی توسط دولت، فروش برخی از دارایی‌ها به دست شرکت مشمول واگذاری و اعلام انحلال شرکت در پی فروش کلیه دارایی‌های آن.
قیمت‌گذاری	در بیش‌تر موارد به صورت مزایده.
موارد و هدف کاربرد	هر زمان که فروش سهام واحد مشمول واگذاری ممکن نباشد یا دولت بخواهد در کوتاه مدت منابع مالی از واگذاری شرکت به دست آورد، یا زمانی که قصد دولت فروش دارایی‌های واحد مشمول واگذاری باشد و مسأله کارکنان شرکت مطرح نشود، فروش دارایی‌ها توصیه می‌شود. در این موارد باید حساب دارایی‌ها را از حساب بدهی‌های شرکت تفکیک کرد.
مسائل و مشکلات اجرایی	وقتی دارایی‌های شرکت فروخته می‌شود، چه زمانی که مسأله انحلال آن واحد مطرح باشد و چه در سایر موارد، بدهی‌های شرکت و روش تسویه آن‌ها پیش می‌آید. نظر به این که در بیش‌تر موارد، خریداران بدهی‌های شرکت را خریداری نمی‌کنند و فقط دارایی‌های آن را می‌خرند، در جریان اجرای سیاست فروش دارایی‌های واحد، باید تکلیف بدهی‌های شرکت را نیز روشن کرد.
مزایا	کسب درآمد به‌طور سریع توسط دولت.



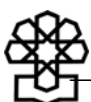
ویژگی	واحد مشمول واگذاری به چندین واحد کوچک تابعه یک واحد مادر تفکیک می‌شود و واگذاری هر یک از واحدهای تابعه به صورت یک واحد جداگانه صورت می‌گیرد.
روش اجرا	روش کار با در نظر گرفتن ساخت ابتدایی واحد مشمول واگذاری و ساخت نهایی موردنظر معین می‌شود و اصول و قاعده مشخصی برای آن وجود ندارد.
موارد و هدف کاربرد	وقتی واگذاری بخشی از فعالیت دولتی به بخش خصوصی هدف باشد، این روش توصیه می‌شود. در مواردی که واحد دولتی در رشته خود انحصار داشته باشد، تفکیک می‌تواند زمینه مساعدی را برای ایجاد بازار رقابتی به وجود آورد. در مواردی که بازار قدرت جذب تمام واحد مشمول واگذاری را نداشته باشد، تفکیک امکان جذب را به بازار می‌دهد.
مسائل و مشکلات اجرایی	این مسائل به روش برگزیده برای واگذاری شرکت‌های تابعه به بخش خصوصی، بستگی دارد.
مزایا	کاربرد تفکیک این امکان را به وجود می‌آورد که از شیوه‌های متفاوت واگذاری برای قسمت‌های مختلف واحد مشمول واگذاری استفاده شود.



ویژگی	انتشار اولیه سهام جدید قابل فروش به بخش خصوصی برای ایجاد واحدی مختلط که در آن سهم بخش دولتی سیر نزولی می‌پیماید.
روش اجرا	سهام جدید به صورت عمومی یا خصوصی به فروش خواهد رسید و روش فروش براساس ضوابطی خواهد بود که برای انتشار و عرضه سهام جدید در کشور وجود دارد. در مواردی اسناد مالکیت بخش دولتی نیز در این جریان به فروش می‌رسد.
موارد و هدف کاربرد	این روش زمانی به کار می‌رود که قصد آن باشد که مالکیت جدیدی به بخش خصوصی برسد و در مجموع سهم مالکیت خصوصی در اقتصاد رو به افزایش بگذارد.
مسائل و مشکلات اجرایی	این مسائل به شیوه برگزیده شده برای انتقال سهام جدید بستگی دارد.
مزایا	دولت از مبتلا شدن به درگیری‌های سیاسی برای از دست دادن مالکیت در بخش دولتی می‌گریزد.



ویژگی	مدیران یا کارکنان شرکت مشمول واگذاری درصدی از سهام آن شرکت را می‌خرند و به این ترتیب کنترل شرکت را در دست می‌گیرند. خرید اقساطی سهام توسط مدیران یا کارکنان می‌تواند به افرادی که قادرند واحد را اداره کنند ولی از امکانات مالی کافی برخوردار نیستند، این امکان را بدهد که شرکت مشمول واگذاری را در اداره خود بگیرند.
روش اجرا	مذاکره با مدیران یا کارکنانی که مایلند واحد را خریداری کنند یا مؤسسه مالی که باید منابع را در اختیار دو طرف قرار دهد.
موارد و هدف کاربرد	در مواردی که مدیریت یا کادر کارکنان واحد بسیار متخصص باشند و نیروی کار جدیدی در انجام وظایف از خود نشان دهد، فروش به مدیران یا به کارکنان می‌تواند در نهایت به افزایش کارایی واحد تولیدی بیانجامد. در صورتی که فروش اقساطی باشد، مسأله کمبود ثروت این گروه نیز حل می‌شود. در مواردی اجرای این روش واگذاری می‌تواند به حل مشکلات کارگری بیانجامد.
مسائل و مشکلات اجرایی	در فروش اقساطی تضمین جریان واگذاری باید به دقت صورت پذیرد. واحد می‌تواند با مسأله کمبود نقدینگی مواجه شود. مسأله خطری که کارکنان در این جریان متقبل می‌شوند، اهمیت بسیار زیادی دارد.
مزایا	احتمال زیاد افزایش کارایی.



ویژگی	مالکیت واحد به هیچ عنوان تغییر نمی‌کند و دولت همچنان مالک واحد باقی می‌ماند. حق اجاره به مالک پرداخت می‌شود و اجاره گیرنده یا مدیر مسئول اداره واحد کلیه خطرات تجاری را می‌پذیرد.
روش اجرا	هیچ روش ثابت و پذیرفته شده عامی وجود ندارد.
موارد و هدف کاربرد	در مواردی که واگذاری مالکیت به بخش خصوصی مقبول دولت نباشد، واگذاری حق اداره واحد یا اجاره دارایی‌ها می‌تواند روش مفیدی باشد. این روش می‌تواند به عنوان راه حل میان دوره‌ای برای رسیدن به حالتی به کار گرفته شود که در آن واگذاری فعالیت به بخش خصوصی به طور کامل و تمام قابل اجرا است.
مسائل و مشکلات اجرایی	بدهی‌های مالی دولت به دلیل تداوم مالکیت دارایی‌ها، همچنان پابرجا باقی می‌ماند. تعهدات مالک در مورد حفظ و نوسازی ماشین‌آلات و لوازم کماکان باقی است. در مواردی، مالک باید منابع مالی جدید به داخل واحد اجاره داده شده تزریق کند.
مزایا	کارآمد شدن واحد در مقایسه با زمانی که اداره آن در دست دولت بوده است.

(

در بحث خصوصی‌سازی حرکت نهایی تغییر نقش دولت در حیات اقتصادی جامعه است که در واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به بخش خصوصی متجلی می‌شود. این حرکت به پیش‌نیازها و زیرساخت‌های نیاز دارد که عمده‌ترین آن‌ها برنامه‌های تثبیت اقتصادی، مقررات‌زدایی و آزادسازی تجارت خارجی و اصلاحات

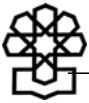


مالی است. به علت اهمیت بسیار زیاد این برنامه‌ها، در این بخش از گزارش، نگاهی اجمالی بر آن‌ها خواهیم داشت.<sup>۱</sup>

فراگردهای اقتصاد کلان (بودجه دولت، عرضه پول و اعتبار) از یک سو و برقراری کنترل‌ها در بازارهای مختلف (بازار ارز، تجارت خارجی، بازار مالی، بازار کالاها و نهاده‌های تولید) از سوی دیگر ارتباط تنگاتنگی دارند. در حقیقت کنترل‌ها برای مقابله با عدم تعادل‌های کلان اقتصادی به وجود می‌آیند و ممکن است در کوتاه مدت هم تأثیر دلخواه دولتمردان را داشته باشد اما عملاً در بلندمدت موجب تشدید بحران شده‌اند. به همین دلیل، سیاست‌های آزادسازی به عنوان علاج ریشه‌ای نابسامانی‌ها مطرح می‌شوند.

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان در غیاب سیاست‌های تثبیت اقتصادی به سیاست‌های آزادسازی دست زد؟ پاسخ منفی است. تجربه کشورهای جهان سوم حاکی از آن است که تثبیت اقتصادی قبل از فراگرد کامل آزادسازی باید به اجرا درآمده و برچیدن کنترل‌ها تا زمانی که بحران موجود در تعادل داخلی و خارجی تقریباً برطرف نشده است به تعویق افتد. بنابراین سیاست‌های تثبیت اقتصادی که خود به منزله کاهش اندازه بخش دولتی است به عنوان پیش نیاز سیاست‌های آزادسازی تلقی می‌شود.

۱. مراد از سیاست تثبیت اقتصادی عمدتاً کنترل هزینه‌ها و بودجه مالی دولت یا به‌طور کلی کنترل تقاضای کل در جامعه است و مراد از سیاست‌های آزادسازی برچیدن انواع کنترل‌ها و سیاست‌های مداخله گرایانه در بازار ارز و تجارت خارجی، بازار سرمایه، بازار کار و دیگر عوامل تولید و بازار کالاها و خدمات است که باعث انحراف قیمت‌ها از هزینه فرصت واقعی کالاها یا منابع تولید شده می‌شود و تخصیص منابع جامعه را مختل می‌کند.



: یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست تثبیت اقتصادی مقابله با فشارهای تورمی است که مستلزم کاهش هزینه‌های دولتی همچون کاهش یارانه‌ها، هزینه‌های سرمایه‌گذاری بنگاه‌های دولتی، هزینه‌های جاری و غیره است.

یکی از معیارهای سنجش موفقیت‌آمیز بودن این سیاست، نسبت کسری بودجه به GDP است. به طوری که اگر کسری بودجه به قیمت‌های ثابت از ۱ الی ۲ درصد GDP تجاوز کند این امر نشان از عدم موفقیت سیاستگذاران است.

برای مثال کشور بولیوی کسری بودجه اسمی خود را از ۲۷ درصد GDP در سال ۱۹۸۴ به ۶ درصد در سال ۱۹۸۸ تقلیل داد یا کشور مکزیک همزمان با فراگرد آزادسازی با اعمال سیاست‌های کنترلی شدید بر هزینه‌های دولتی، کسری بودجه را از ۷/۴ درصد GDP به ۷ درصد مازاد بودجه تبدیل کرد. همچنین شیلی از ۱۹۸۰ به بعد همراه با سیاست‌های خصوصی‌سازی، سیاست‌های سختگیرانه را در خصوص یارانه‌ها و هزینه‌های جاری اعمال کرده است.

: یکی دیگر از ابزارهای سیاست تثبیت اقتصادی مالیات‌هاست که نگرشی جدید در دهه اخیر بر آن حاکم شده است. از نقطه نظر شمول مالیات‌ها تلاش می‌شود که زمینه مالیاتی هر چه ممکن است گسترده شود و هر نوع فعالیت اقتصادی که مولد ارزش افزوده‌ای باشد مشمول مالیات گردد. از نقطه نظر قوانین گرایش به سمت ساده‌سازی است و از منظر مقوله مساوات و مسائل توزیع درآمدی سعی در ایجاد نرخ‌های مقطوع است.

کشورهای امریکای لاتین تماماً با ساده کردن نظام مالیاتی خویش و گسترده کردن زمینه‌های مالیات و کاهش نرخ تصاعدی، اصلاحات مالیاتی را به اجرا در آورده‌اند.



بخش دیگری از سیاست‌های آزادسازی که در زمره مهم‌ترین اجزای مجموعه سیاست‌های مزبور است آزادسازی تجارت خارجی است. آنچه آزادسازی تجارت خارجی را در فراگرد اصلاحات اقتصادی ضروری می‌سازد ایجاد فضای جدید برای بنگاه‌های اقتصادی چه دولتی و چه خصوصی است هدف اصلی در حقیقت حمله به اختلال‌ها و در نتیجه رفتار واحدهای اقتصادی است.

اولین مرحله اصلاح سیاست‌های تجاری تغییر ابزارهای حمایتی است. ابزارهایی همچون سهمیه‌بندی‌ها، تخصیص ارز به نرخ‌های ترجیحی، صدور مجوز واردات یا صادرات برای ارگان‌های خاص، صدور مجوز عدم ساخت داخل و غیره. مهم‌ترین نقیصه این ابزارها که در نهایت سیستم را دچار چنان اختلال‌های گسترده‌ای می‌کند که تخصیص منابع را به نحو نامطلوبی متأثر می‌کند عبارتند از:

• میزان حمایت مؤثری که توسط ابزارهای یاد شده به منابع مختلف اعطا می‌شود مبهم و غالباً غیرقابل تشخیص است. (چه بسا حمایت مؤثر از بخش یا صنعت یا گروهی خاص در نهایت منجر به حمایت از بخش دیگر یا گروهی دیگر شود که سیاستگذار اصولاً قصد چنین حمایتی را نداشته است).

• محدودیت‌های مقداری، اعطای مجوز واردات یا تخصیص ارز ارزان، رانتهی را برای دریافت‌کننده مجوز در بردارد و مقولاتی نظیر کارایی تولید، بهبود کیفیت کالا، نوآوری، رخنه به بازارهای بین‌المللی و ... را به بوته فراموشی می‌سپارد.

دومین مرحله از اصلاح سیاست‌های تجاری شروع فراگرد کاهش تدریجی نرخ‌های تعرفه است. در این مرحله ابتدا باید چارچوبی برای کاهش نرخ‌های مزبور برای صنایع مختلف طرح‌ریزی شود که مقتضی‌ترین آن برخورد یکنواخت با تمام فعالیت‌هاست. به این مفهوم که نرخ‌های تعرفه مورد به مورد برای صنایع یا گروه کالاهای مختلف تعیین نشده بلکه کاهش حمایت طی یک فرمول برای همه فعالیت‌ها اعمال شود.



برای مثال در مکزیک تا سال ۱۹۸۹ اخذ مجوز برای واردات، ۹۲ درصد از کالاهای وارداتی را در برمی‌گرفت اما از این سال به بعد کلیه مجوزها ملغی و تعرفه به جای آن برقرار گردید که در سال‌های بعد و به تدریج و به‌طور محسوس کاهش پیدا کرد. یا در مراکش از سال ۱۹۸۳ اخذ مجوز واردات به تدریج حذف و نرخ عوارض گمرکی کاهش یافت به طوری که در سال ۱۹۸۵ هرگونه حمایتی که از طریق سهمیه‌بندی اعمال می‌گردید به مکانیسم تعرفه تبدیل شد و هرگونه مجوز برای صادرات ملغی گردید و تا سال ۱۹۸۷ طی ۴ سال تعرفه عوارض گمرکی از ۱۰۰ درصد به ۴۵ درصد کاهش یافت. اما قبل از انجام کاهش نرخ‌های تعرفه مسأله سیاست‌های ارزی در این فراگرد مهم است بدین معنا که کاهش نرخ‌های تعرفه پس از تصحیح نرخ ارز که لازمه سیاست‌های آزادسازی است معنی می‌یابد. با نگاهی به تجارب سیاست‌های آزادسازی تجاری در کشورهای جهان سوم می‌توان دریافت که شاید محور اصلاحات سیاستگذاری در زمینه تجارت خارجی اصلاح سیاست ارزی بوده است.

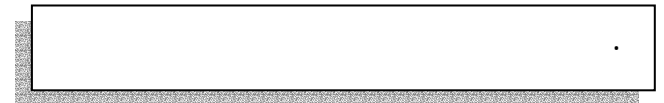
بدیهی است که نظام شناور که تعیین نرخ ارز به نیروهای بازار یعنی عرضه و تقاضا سپرده می‌شود، انعطاف‌پذیری لازم برای برقراری تعادل خارجی را داشته و بهتر می‌تواند اهداف یک توسعه برون‌نگر را یاری دهد. اما به دلیل کاستی‌های دیگری که آزادی کامل نرخ ارز دارد آنچه برای کشورهای که در مسیر آزادسازی قرار گرفته توصیه می‌شود و اکثر دانشمندان در این خصوص اتفاق آرا دارند. نظامی بینابین یا «نظام شناور مدیریت شده» است. بدین معنا که مقامات پولی خود را متعهد می‌کنند که تا فاصله زمانی خاصی نرخ ارز را ثابت نگه داشته و بعد از آن (بسته به شرایط تراز پرداخت‌ها) نرخ جدیدی را اعلام و از آن برای مدتی دفاع کنند. امتیاز این سیاست این است که انعطاف‌پذیری لازم را برای حفظ تعادل خارجی اقتصاد داراست در عین حال نامطمئن و ریسک را نیز به میزان زیادی کاهش می‌دهد.



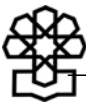
شیلی، آرژانتین، مکزیک، کلمبیا، مراکش، تونس، مالزی و فیلیپین از نمونه کشورهای هستند که طی دهد ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ اقدام به کاهش ارزش پول نموده و با استفاده از سیاست‌های فوق‌الذکر حجم صادرات کشور را به شدت افزایش داده‌اند.

آزادسازی تجارت خارجی پیش نیاز استفاده کارا از منابع مالی است که خود در گرو آزادسازی بازار سرمایه است. از همین رو است که اصلاحات پولی و به دنبال آن اصلاحات مالی مقولات اصلی آزادسازی است.

هدف از آزادسازی مالی بالا بردن کارایی از مسیر تکیه بیش‌تر بر نیروهای بازار و همچنین بهبود عملکرد سیاست‌های پولی است: ۱. آزادسازی نرخ بهره، ۲. کم کردن کنترل بر تخصیص اعتبارات سیستم بانکی، ۳. ایجاد رقابت و افزایش کارایی شبکه بانکی، ۴. ایجاد چارچوب‌های مستحکم نظارت بر مؤسسات مالی و همچنین قوام و عمق بخشیدن به بازارهای مالی از جمله اقداماتی است که این اصلاحات را در بر می‌گیرد. برای مثال در کشور مالزی به‌عنوان اولین قدم در زمینه رفوم مالی از شدت سیاست کنترل اعتبارات سیستم بانکی کاسته شد و همزمان با افزایش ورود سرمایه‌های خارجی به داخل کشور، عرضه تسهیلات اعتباری و وام‌دهی به بخش خصوصی براساس مکانیسم بازار افزایش یافت. بازار مربوط به اسناد قرضه شرکت‌های خصوصی گشایش یافت و بازار خرید و فروش سلف تقویت شد و بازار بورس کوالالامپور با قدرت فعال شد و در کنار این موارد آزادسازی نرخ بهره آغاز گردید. در کشور مکزیک هم کم و بیش به همین صورت عمل شده است.



اجرای خصوصی‌سازی براساس تصویب‌نامه‌ای که هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۷۰/۲/۲۹ به تصویب رساند آغاز گردید و در قالب آن ادامه یافت. اهداف سیاست



واگذاری، روش‌های واگذاری، نحوه استفاده از درآمدهای حاصله و نیز پیش‌بینی چگونگی اجرا و نظارت بر اجرا در تصویب‌نامه مورد اشاره به قرار زیر است.

(

۱. ارتقای کارایی فعالیت‌ها
۲. کاهش حجم تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی غیرضرور
۳. ایجاد تعادل اقتصادی
۴. استفاده بهینه از امکانات کشور.

(

در متن تصویب‌نامه آمده است که استفاده از روش‌های اجرایی بورس به‌عنوان اولویت روش واگذاری سهام شرکت‌ها تلقی می‌شود و برای روش‌های غیربورسی کمیسیون که اعضای آن در مصوبه معین شده است روش را معین خواهند کرد. در این تصویب‌نامه روش عرضه سهام به گروه‌های خاص نیز مدنظر بوده است به‌طوری که باید ۳۳ درصد از سهام قابل واگذاری به قیمت‌های معادل میانگین قیمت اسمی و قیمت روز سهام به کارگران و کارمندان واحدهای تولیدی (با اولویت کارگران و کارمندان همان واحد) و مابقی سهام به قیمت روز به عموم اشخاص (با اولویت کارکنان دولت در صورت تساوی شرایط) عرضه گردد.

(

بند ۷ تصویب‌نامه نحوه استفاده از درآمدهای حاصله را به‌صورت زیر تعیین کرده است:

۱. بازپرداخت بدهی‌ها
۲. بازپرداخت بدهی‌های گذشته شرکت در چارچوب طرح‌های عمرانی



۳. تأمین کمبود منابع شرکت‌های موجود که براساس مطالعات انجام شده قابل واگذاری نیستند

۴. اتمام طرح‌های تولیدی در دست اجرا جهت فراهم کردن شرایط واگذاری آن‌ها.

۵. اجرای طرح‌های تولیدی مورد نیاز کشور که بخش غیردولتی برای انجام آن‌ها

آمادگی ندارد

۶. واریز به خزانه.

(

.

مصوبه مزبور کلیه شرکت‌های دولتی رابه سه گروه زیر طبقه‌بندی کرد:

: اسامی تعداد ۲۴۸ شرکت در فهرستی اعلام و نمایندگان دولت در مجامع

عمومی شرکت‌های مزبور موظف گردیدند اقدامات لازم برای واگذاری را به عمل آورند.

: فهرست دیگری مشتمل بر ۱۴۳ شرکت دولتی اعلام و مقرر گردید

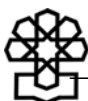
کمیسیونی که اعضای آن در تصویب‌نامه معین شده، واگذاری سهام دولت را در این شرکت‌ها بررسی و نتیجه را جهت تصویب به هیأت وزیران پیشنهاد دهند.

: در مورد واگذاری سهام بقیه شرکت‌های دولتی مقرر شده است،

دستگاه‌های ذی‌ربط پیشنهاد لازم را به کمیسیون مذکور در بند قبلی احاله کنند و کمیته پس از بررسی، پیشنهاد لازم را برای تصویب به هیأت وزیران ارائه کند.

بدین ترتیب فرایند واگذاری سهام شرکت‌های دولتی در پی تصویب این

تصویب‌نامه در هیأت دولت آغاز و معاملات بسیاری در قالب بازار بورس اوراق بهادار شکل گرفت.



البته پس از ده ماه در تاریخ ۱۳۷۱/۲/۱ اصلاحاتی در مفاد تصویب‌نامه صورت گرفت بدین صورت که مقرر گردید روش فروش فقط به یکی از روش‌های بورسی، مزایده و مذاکره مستقیم صورت پذیرد به‌طوری که روش بورس در اولویت باشد.

به منظور نظارت بر اجرا، کمیسیونی با ریاست معاون اول رئیس جمهور، طی تصویب‌نامه مورد اشاره معین گردید.

در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۶ نیز اصلاحیه دیگری تصویب شد که جهت پیگیری و پیشبرد اهداف، (شورای اقتصاد) را مسئول برنامه‌ریزی، اجرا و پیگیری سیاست‌ها کرد.

در تاریخ ۱۹ مرداد ماه سال ۱۳۷۳ قانونی تحت عنوان «قانون نحوه واگذاری سهام دولتی و متعلق به دولت به ایثارگران و کارگران» به تصویب رسید. بر طبق ماده ۱۴ این قانون هر آنچه تا آن تاریخ در رابطه با واگذاری سهام شرکت‌ها به تصویب رسیده بود ملغی گردید.

در این قانون نه تنها امتیازاتی خاص به برخی گروه‌ها همچون ایثارگران، رزمندگان و بسیجیان اعطا گردید بلکه روش واگذاری نیز روش بورس و مزایده اعلام شد و مقرر گردید که به‌کارگیری روش مذاکره صرفاً محدود به شرکت‌ها و تعاونی‌های ایثارگران گردد. با تصویب این قانون سیاست خصوصی‌سازی عملاً متوقف شد.

رکود در امر خصوصی‌سازی تا سال ۱۳۷۷ ادامه داشت، از این سال به بعد طبق تبصره ۳۵ قانون بودجه سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ و با تمدید آن در قانون بودجه سال ۱۳۷۹ کل کشور (موضوع بند «ف» تبصره ۲) واگذاری سهام مورد تأکید قرار گرفت.



تا این‌که در قانون برنامه سوم توسعه با گنجاندن فصول دوم، سوم و چهارم، برنامه دقیق‌تر و یکپارچه‌تری جهت این امر تدارک دیده شد.

دولت با توجه به اشرافی که بر مشکلات موجود در قوانین قبلی داشت در تهیه برنامه سوم نکات قابل توجهی را مدنظر قرار داد که از آن جمله می‌توان از موارد ذیل نام برد:

- تشکیل هیأت عالی واگذاری به منظور هماهنگی و نظارت در تهیه فهرست اسامی شرکت‌های قابل فروش، تهیه برنامه زمان‌بندی سالانه فروش، سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغاتی، برقراری نظام اقساطی فروش، اعمال شیوه‌های قیمتگذاری سهام، تصویب ضوابط، ظرفیت، اعتبار، تعهد و تضمین به منظور تسهیل امر انتخاب خریداران سهام (مواد ۱۲ و ۱۴).

- تشکیل سازمان خصوصی سازی (ماده ۱۵).

- تشکیلات هیأت داور و رأی آن (مواد ۲۰ الی ۲۳).

- مسئولیت مدنی و جزایی مسئولان واگذاری (ماده ۲۴).

- مسأله پرداخت غرامت‌های مربوط به سال‌های قبل از واگذاری شرکت واگذار شده (ماده ۲۵).

- معافیت مالیاتی (ماده ۲۶).

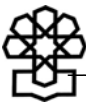
- و مقررات مربوط به بازنشستگی کارکنان شرکت‌های واگذاری شده (ماده ۲۷).

براساس این قانون هیأت وزیران و هیأت عالی واگذاری به‌عنوان نهادهای سیاستگذار در برنامه خصوصی‌سازی و سازمان خصوصی‌سازی و شرکت‌های مادر تخصصی به‌عنوان عوامل اجرایی تعریف شده‌اند.

بنابر مفاد قانون برنامه سوم توسعه سازوکار واگذاری سهام شرکت‌های دولتی

به شرح ذیل است:

- شرکت‌های دولتی در قالب شرکت‌های مادر تخصصی ساماندهی می‌شوند.



- هیأت عالی واگذاری فهرست اسامی شرکت‌های دولتی قابل فروش، انحلال و ادغام و زمان‌بندی و روش فروش آن‌ها که از سوی وزارتخانه ذی‌ربط ارائه شده است را بررسی و برای تصویب هیأت وزیران ارسال می‌کند. (اگر وزارتخانه ذی‌ربط فهرست ندهد وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌تواند این کار را انجام دهد).

- هیأت وزیران فهرست فوق‌الذکر را تصویب می‌کند.

- شرکت مادر تخصصی، شرکت‌های دولتی زیر مجموعه را در صورت لزوم اصلاح ساختار می‌کند. قیمت سهم و اندازه شرکت را تعیین و مراتب را به سازمان خصوصی‌سازی اعلام می‌کند و جهت انجام فروش به این سازمان وکالت می‌دهد.

- هیأت عالی واگذاری مجوز فروش اقساطی سهام را در صورت لزوم صادر می‌کند.

- درآمد حاصل از فروش سهام به ترتیب ۵۰ درصد به شرکت مادر تخصصی ذی‌ربط،

- ۴۸ درصد به خزانه و ۲ درصد بسیج اختصاص می‌یابد.

طبق مفاد تصویب‌نامه‌های مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۰ و ۱۳۸۱/۱/۲۱ هیأت وزیران،

فهرست شرکت‌های مادر تخصصی متعلق به هر وزارتخانه به شرح جدول است.



۱	امور اقتصادی و دارایی	۱۷	۱	۲۰۹
۲	صنایع و معادن	۳	۵	۲۶۶
۳	نفت	---	۴	۱۰۴
۴	راه و ترابری	۳	۳	۱۲
۵	آموزش و پرورش	---	۲	۹
۶	پست و تلگراف و تلفن	---	۲	۳۳
۷	نیرو	---	۵	۸۱
۸	بهداشت و درمان و آموزش پزشکی	۴	۱	۲
۹	مسکن و شهرسازی	۳	۱	۱۷
۱۰	بازرگانی	۴	۲	۴۰
۱۱	جهاد کشاورزی	۳	۴	۴۹
۱۲	دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	۱	۲	۷

همان طور که در صفحات قبل توضیح داده شد از زمان شروع واگذاری سهام شرکت‌های دولتی (۱۳۷۰) تا حال حاضر فراز و نشیب بسیار طی شده است. جدول شماره ۱۰ عملکرد فروش سهام شرکت‌های دولتی را طی این ده سال نشان می‌دهد.



( )

۶/۸	۷۹۰/۹	فروش از طریق بورس	
۲	۲۳۰/۶	فروش از طریق مزایده	
۶	۶۹۴/۲	فروش از طریق مذاکره	
۱۴/۷	۱۷۱۵/۷	جمع	
۱۱/۸	۱۳۷۰/۴	فروش از طریق بورس	
۰/۲	۲۹/۱	فروش از طریق مزایده	
۳/۳	۳۸۱/۲	فروش از طریق مذاکره	
۱۵/۳	۱۷۸۰/۷	جمع	
۳۷/۴	۴۳۶۲/۹	فروش از طریق بورس	
۴	۴۶۹/۴	فروش از طریق مزایده	
۰	۰	فروش از طریق مذاکره	
۴۱/۴	۴۸۳۲/۳	جمع	
۱۸	۲۰۹۴/۷	فروش از طریق بورس	
۱۰/۶	۱۲۳۷/۵	فروش از طریق مزایده	
۰	۰	فروش از طریق مذاکره	
۲۸/۶	۲۳۲۲/۲	جمع	
	/		

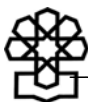
منبع: سازمان خصوصی‌سازی

(ارقام میلیارد ریال)

/	/	/	/			/	/	/	/	/	/	/	/	۱۳۷۰
/	/	/	/			/	/	/	/	/	/	/	/	۱۳۷۱
/	/	/	/			/	/	/	/	/	/	/	/	۱۳۷۲
/	/	/	/			/	/	/	/	/	/	/	/	۱۳۷۳
, /	/	/	/			/	/	/	/	/	/	/	/	
۵۱۶/۳	۲۰۲/۴	۰/۰	۳۱۳/۹	۰	۰	۰/۰	۱۵۶/۳	۳۸/۰	۰/۰	۴۷/۰	۱۶۴/۴	۰/۰	۱۱۰/۶	۱۳۷۴
۱,۰۹۱/۰	۱۴۱/۳	۸/۸	۹۴۰/۹	۰	۰	۰/۰	۱۳۰/۵	۱۳۴/۰	۵/۰	۷۱/۰	۷/۳	۳/۸	۷۳۹/۴	۱۳۷۵
۱۷۳/۴	۳۷/۵	۲۰/۳	۱۱۵/۶	۰	۰	۰/۰	۵۷/۶	۳۶/۰	۱۱/۰	۰/۰	۱/۵	۹/۳	۵۸/۰	۱۳۷۶
, /	/	/	, /			/	/	/	/	/	/	/	/	
۷۶۲/۰	۰/۰	۱۸/۷	۷۴۳/۳	۰	۰	۰/۰	۵۶/۰	۰/۰	۰/۰	۱۳۰/۳	۰/۰	۱۸/۷	۵۵۷/۰	۱۳۷۷
۲,۳۴۸/۰	۰/۰	۲۷۴/۲	۲,۰۷۳/۸	۰	۰	۰/۰	۹۷/۰	۰/۰	۶۵/۵	۱۷۷/۷	۰/۰	۲۰۸/۷	۱,۷۹۹/۱	۱۳۷۸
۱,۷۲۲/۳	۰/۰	۱۷۶/۵	۱,۵۴۵/۸	۱۰۵/۵	۸/۴	۰	۲۱۷/۰	۰/۰	۵۱/۰	۱۰۵/۴	۰/۰	۲۰/۰	۱,۲۱۵/۰	۱۳۷۹
, /	/	/	, /	۱۰۵/۵	۸/۴	/	/	/	/	/	/	/	, /	
۲۰۱/۰	۰/۰	۰/۰	۲۰۱/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۲۰۱/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۱۳۸۰
/	/	/	/	۱۲۳۷/۴	۵۳/۵	۰/۱	/	/	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	/	
/	/	/	/	۱۲۳۷/۴	۵۳/۵	۰/۱	/	/	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰		
/	, /	/	/	۱۳۴۲/۹	۶۱/۹	۰/۱	/	/	۳۳۰/۸	۱,۰۴۱/۴	۲۴۱/۱	۲۹۲/۸	/	

منبع: سازمان خصوصی سازی.

توضیح: واگذاری سهام به منظور تأدیه بدهی های دولت به دستگاه های مربوط از جمله تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری در آمار فوق منظور نشده است.



(

سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سازمان صنایع ملی ایران دارای بیشترین شرکت‌های متعلق به بخش دولتی هم از نظر تعداد و هم از نظر توان اقتصادی هستند و در ضمن در بین دستگاه‌های واگذار کننده بیش از دیگران در امر واگذاری سهام شرکت‌های بخش دولتی به بخش غیر دولتی فعالیت داشته‌اند. در این قسمت از گزارش سعی می‌شود با بررسی عملکرد این دو سازمان در امر واگذاری سهام بخش دولتی طی دهه هفتاد، تصویری از وضعیت اقدامات انجام شده ارائه شود.

این سازمان طی سال‌های ۱۳۶۹ الی ۱۳۸۰ سهام ۱۰۷ شرکت از شرکت‌های تحت پوشش خود را به شرح جداول ۱۲ و ۱۳ واگذار کرده است.

-

۱	بورس	۵۰۰۱ میلیارد ریال ۹۰ درصد	سازمان تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی ۲۵ درصد سازمان مالی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی ۴/۹ درصد کارگران، ایثارگران ۲/۲ درصد شرکت‌های تحت پوشش سازمان گسترش ۶/۵ درصد بخش خصوصی ۶۱/۴ درصد
۲	مزایده	۲۸۱ میلیارد ریال ۵ درصد	بخش خصوصی ۹۷/۹ درصد مدیران ۲/۱ درصد
۳	مذاکره و تهاتر	۲۶۷ میلیارد ریال ۵ درصد	تأمین اجتماعی ۶۰ درصد وزارتخانه‌ها ۲۰ درصد بانک‌ها ۸ درصد شرکت‌های تحت پوشش سازمان گسترش و بخش خصوصی ۹ درصد سازمان گسترش مالکیت واحدهای تولیدی ۳ درصد
	جمع کل	۵۵۴۹ میلیارد ریال	

\* گزارش عملکرد فروش سهام از سال ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۸۰ سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (تهیه کننده: مدیریت سرمایه‌گذاری و سهام)

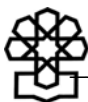


خلاصه وضعیت شرکت‌های واگذار شده به تفکیک روش فروش، خریداران سهام، نوع شرکت‌ها و میزان سهام سازمان به شرح جدول ذیل است:

-

الف	روش فروش	فروش از طریق بورس فروش از طریق مزایده فروش از طریق مذاکره و تهاتر	۴۳ شرکت ۲۲ شرکت ۴۲ شرکت
ب	خریداران	بخش خصوصی نهادهای و مؤسسات	۵۴ شرکت ۵۳ شرکت
ج	نوع شرکت‌ها	شرکت‌های تولیدی شرکت‌های خدماتی	۸۹ شرکت ۱۸ شرکت
د	میزان واگذاری سهام	شرکت‌هایی که سهامشان کلاً واگذار شده است شرکت‌هایی که بخشی از سهام آن‌ها واگذار شده است	۸۳ شرکت ۲۴ شرکت

این سازمان طی دوره یازده ساله ۱۳۶۹ الی پایان اسفند سال ۱۳۷۹ سهام ۲۲۵ شرکت از شرکت‌های تحت پوشش را به شرح جدول ۱۴ واگذار کرده است



-

۱	بورس (۹۰ شرکت)	۱,۰۵۶	۵۰
۲	مزایده (۷۸ شرکت)	۳۵۴/۹	۱۷
۳	مذاکره (۹۸ شرکت)	۷۱۴/۵	۳۳
		/	

لازم به ذکر است که ۳۷ شرکت از مجموع شرکت‌های فوق در قالب ترکیبی از دو حالت مزایده و مذاکره و ۲ شرکت نیز در قالب ترکیبی از ۳ حالت مزایده، مذاکره و بورس معامله شده‌اند).

-

۱	تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی <sup>۱</sup>	۴۳۸	۲۰/۶
۲	ایثارگران <sup>۲</sup>	۳۵۸	۱/۷
۳	کارگران واحدهای تولیدی	۱۶۳/۴	۷/۶
۴	بخش خصوصی	۱,۴۸۸/۲	۷۰
		/	

سازمان صنایع ملی ایران در اجرای بند «ک» تبصره ۵ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور سهام تمامی شرکت‌های تحت پوشش خود را در ازای تأدیه بدهی دولت به سازمان‌های تأمین اجتماعی و سازمان بازنشستگی کشوری واگذار کرده و تدوین لایحه انحلال سازمان مذکور در جریان است.

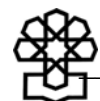


(

در راستای زمینه‌سازی‌های لازم در اقتصاد کلان جهت تسریع در خصوصی‌سازی و ایجاد بستر لازم برای این امر اقداماتی به شرح ذیل انجام شده یا در حال انجام است.

۱. اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم	انجام شده است.
۲. طرح اصلاحات راهبردی بانکها	در جریان انجام است.
۳. طرح اصلاحات راهبردی بیمه‌ها	در جریان انجام است.
۴. تک نرخی شدن ارز	انجام شده است.
۵. لایحه بازار سرمایه	در حال تهیه است.
۶. لایحه پولشویی	در حال تصویب است.
۷. اصلاح قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی	تصویب شده است.
۸. کاهش نرخ سود بانکی	تاکنون یک درصد کاهش داده شده است.
۹. حرکت در جهت خصوصی کردن بانکها و بیمه‌ها	در جریان انجام است.
۱۰. اصلاح قانون محاسبات عمومی	در مرحله اقداماتی است.
۱۱. قانون تجمیع عوارض	تصویب شده است.

بدیهی است لازمه تحول اساسی برای عبور از اقتصاد دولتی به اقتصاد بان، حرکت همه جانبه دستگاه‌ها در جهت اصلاح قوانین و مقررات موجود از جمله اصلاح قانون کار، قانون تأمین اجتماعی، قانون تجارت، قانون برنامه و بودجه و سایر قوانین مرتبط دیگر است.



در این بخش سعی شده است که به طور مختصر وضعیت و شرایط اقتصادی، شکل ونحوه واگذاری‌ها در زمان اولیه و شروع امر خصوصی‌سازی در چهار کشور انگلستان، فرانسه، شیلی و رومانی ارائه شود. بدین معنا که وضعیت و شرایط در زمان صفر مبنا قرار گرفته است. پس از بررسی وضعیت چهار کشور مذکور، در نهایت موفقیت‌های جهانی خصوصی‌سازی براساس گزارش Daily Policy Digest ارائه شده است.

(

در سال ۱۹۷۶ حزب محافظه‌کار به رهبری مارگارت تاچر که رهبری و هدایت دولت را نیز در اختیار داشت اعلام کرد که باید از مالکیت دولتی احتراز شود و در عوض تلاش گردد تا پایه مالکیت در جامعه گسترش یابد و این ایده را مطرح نمود که مالکیت عمومی به معنای مالکیت مردم نیست.

خصوصی‌سازی در انگلستان را به طور کلی می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: اهداف خزانه‌داری، اهداف کارایی و اهداف سیاسی. این اهداف به اشکال مشخص زیر در سخنرانی‌ها و اطلاعیه‌های دولت انگلستان ارائه گردیده است:

۱. بهبود کارایی
۲. کاهش وام‌گیری بخش دولتی
۳. کاهش دخالت دولت در تصمیم‌گیری‌های بنگاه‌های اقتصادی
۴. گسترش مالکیت سهام
۵. تشویق مالکیت کارکنان در سهام بنگاه‌های اقتصادی
۶. مقابله و جلوگیری از قدرت اتحادیه‌های کارگری.



نخستین خصوصی‌سازی‌ها از سازمان‌های محلی آغاز شد، به مستاجران خانه‌های دولتی اجازه داده شد تا خانه‌هایی را که در آن زندگی می‌کردند بخرند. دولت نیز محول کردن بخشی از خدمات محلی (مثل تمیز کردن خیابان‌ها و جمع‌آوری زباله) را به پیمانکاران خصوصی تشویق می‌کرد. قدم بعدی در خصوصی‌سازی فروش شرکت‌هایی بود که به تجدید ساختار کمی احتیاج داشتند و اعتباری هم نبودند. اما نقطه عطف روند خصوصی‌سازی در این کشور خصوصاً خصوصی‌سازی (British Telecommunications) BT بود که یکی از وقایع منحصر به فرد در تاریخ خصوصی‌سازی در جهان است. یک تأسیسات عام‌المنفعه که موقعیت انحصاری داشت کلاً به عموم مردم عرضه شد. هدف نیز بیش از ایجاد درآمد گسترش و تقویت مالکیت گسترده سهام بود.

از میان انبوه شرکت‌هایی که به بخش خصوصی واگذار شدند می‌توان از شرکت‌های رولزرویس، جگوار (ماشین‌سازی)، British Telecom (ارتباطات و مخابرات)، British Airways (حمل و نقل)، Brif-oil و British Petroleum (نفت) نام برد.

خصوصی‌سازی که در بنگاه‌های اقتصادی دولتی انگلستان و

قبل از خصوصی‌سازی انجام شد بسیار شایان توجه است:

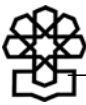
- شرکت‌های دولتی با اصلاحات عملیاتی نظیر تعیین اهداف عملیاتی و مهم‌تر از همه ایجاد محدودیت بر تأمین منابع مالی از خارج، بیشتر به انضباط بازاری حاکم بر عملیات یک بنگاه اقتصادی خصوصی نزدیک شدند.

- مسأله مازاد نیروی کار و کاهش آن تا مقدار لازم و چگونگی برخورد با بیکاری کارگران به طور مرتب پیگیری می‌شد.

- تعدادی از شرکت‌ها از لحاظ مالی تجدید ساختار شدند.

- بسیاری از فعالیت‌های غیرکلیدی که قابل مجزا شدن از فعالیت اصلی بنگاه بود

مستقل شدند.



- دولت سعی کرد که بنگاه‌های اقتصادی را به عنوان ابزار سیاست‌های اجتماعی خود به کار نبرد.

- همزمان با اصلاحات عملیاتی، مالی، تشکیلاتی در بنگاه‌های اقتصادی، در سطح کلان نیز آزادسازی صورت گرفت. برای مثال قبل از فروش و عرضه سهام شرکت British Telecom ورود بخش خصوصی به بخش ارتباطات آزاد شد.

از فرایند خصوصی‌سازی در انگلستان به طور اجمالی می‌توان موارد ذیل را نام برد:

۱. اقدامات پیش از خصوصی‌سازی در سطح بنگاه‌های اقتصادی (سطح خرد) و اقدامات آزادسازی (در سطح کلان) انجام گرفت.

۲. برای رفع نگرانی‌های مردم و گروه‌های ذی‌نفع، با ایراد سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، انجام سمینارها و ارتباط مستقیم و دائم با سیاستمداران، ژورنالیست‌ها، بازرگانان و کارگران تلاش فراوان شد.

۳. برای اکثر فروش‌های مهم، تبلیغات و اطلاع‌رسانی به مردم از مهم‌ترین مسائل بود برای این منظور از پوستر، اعلان‌های بزرگ شهری، مطبوعات و رسانه‌ها استفاده شد.

۴. رویه‌های فروش و تقاضا تسهیل شد. برای مثال مؤسسات زیادی از قبیل بانک‌ها و شرکت‌های ساختمانی تقاضاهای خرید سهام را قبول می‌کردند و گاه حتی برای خرید سهام، وام خرید نیز اعطا می‌شد.

۵. از خدمات تخصصی و مشاوره‌ای بانک‌های سرمایه‌گذاری و غیره استفاده مؤثر می‌شد.

۶. از روش‌های مختلف بازاریابی برای جلب خریداران استفاده می‌شد برای نمونه اعطای امتیازات ترجیحی، تضمین سود، متشکل کردن گروه‌های ذی‌نفع، اعطای حق تقدم برای خرید سهام، قسط‌بندی پرداخت مبلغ سهام، اعطای وام، دادن سهام مجانی، تخفیف و غیره.



۷. سهام مخصوص (طلایی) برای تضمین منافع ملی به وجود آمد. این سهام که یکی از ابتکارات فرایند خصوصی‌سازی در انگلستان بود به صورت یکی از مفاد اساسنامه شرکت خصوصی شده تجلی پیدا کرد. برای مثال، این سهم برای جلوگیری از فروش دارایی‌ها، انحلال شرکت، جلوگیری از تصاحب آن توسط شرکت‌های دیگر، جلوگیری از تغییرات اساسنامه‌ای مخالف با اهداف دولت به کار گرفته شد. البته این سهم برای مدت زمان محدودی که قابل تمدید هم هست اعتبار داشت و پس از آن از اعتبار می‌افتاد.

۸. واحدهای دولتی که جنبه انحصاری داشتند مثل بخش ارتباطات و مخابرات پس از خصوصی‌شدن هم کنترل می‌شدند تا اهداف سوداگران شرکت و منافع مصرف‌کننده هر دو تأمین شود.

۹. نحوه توزیع و سهمیه‌بندی سهام یکی از وجوه بارز و منحصر به فرد تجربه خصوصی‌سازی انگلستان بود. بدین صورت که به طور معمول در هر فروش بخشی برای مردم و بخشی برای شرکت‌های سرمایه‌گذاران از قبل کنار گذاشته می‌شد. چون قبل از فروش سهام به مردم، سفارش دریافت می‌شد. اگر تعداد سفارش از تعداد کل سهام عرضه شده بیش‌تر بود سهام به‌گونه‌ای سهمیه‌بندی می‌شد که تا حد ممکن تمام متقاضیان را شامل شود.

یک محدودیت کلی بر تعداد کل سهامی که هر نفر می‌توانست بخرد وجود داشت که معمولاً برای هر نفر ۱۵ درصد سهام یک شرکت بود. خریداران خارجی هم بسته به نوع شرکت حداکثر بین ۱۵ تا ۲۵ درصد از سهام یک شرکت را می‌توانستند بخرند. ۱۰. دولت در امر فروش سهام به تداوم مالکیت افراد نیز توجه ویژه داشت به طوری که در فروش بعضی از شرکت‌های بزرگ اگر افراد برای مدت زمان معینی سهام خود را نمی‌فروختند سهام جایزه وفاداری اهدا می‌کرد. فلسفه این کار هم این بود که وقتی سهامداران جدید سهام خود را برای مدت معقولی نگه دارند به تدریج و در طول این مدت یک نگرش تجاری و اقتصادی در اذهان آن‌ها شکل می‌گیرد و نسبت



به عملکرد مؤسسه توجه واقعی از خود نشان می‌دهند. به همین منظور در زمان انتشار عمومی سهام، درصدی از سهام را برای اعطای سهام وفاداری، برای خود حفظ می‌کرد.

اگرچه تجربه خصوصی‌سازی انگلستان در بسیاری از جهات موفق بوده اما طبعاً کاستی‌هایی نیز وجود داشته است. این کاستی‌ها عبارتند از:

۱. واحدهایی که به طور نسبی صنایع رقابت‌پذیر بودند از لحاظ خصوصی‌سازی موفق شدند و در مواردی که انحصارات طبیعی بود مثل مخابرات، آب و برق چون فضای رقابتی و یا کنترلی نتوانست کارکرد مالکیت خصوصی را فراهم آورد نتیجه رضایت‌بخش نبود.

۲. فرآیند خصوصی‌سازی بیش از حد گسترده و سریع بود و به خصوص در مواردی که انحصارات طبیعی بود هنوز کنترل‌ها مؤثر و تثبیت شده نبود.

۳. مالکیت گسترده سهام که از طریق اعطای اعتبارات به کارکنان و همچنین قیمت‌های پایین سهام عملی شد در حقیقت هزینه‌هایی را به مردم کشور تحمیل کرد.

۴. در بعضی از موارد قیمت سهام پایین ارزیابی شده بود.

(

در اوایل سال ۱۹۸۶ اعلام شد که دولت در نظر دارد سهام ۶۵ شرکت دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند. این خصوصی‌سازی عبارت بودند از:

۱. مالکیت گسترده سهام

۲. کاهش بار مالی دولت و ایجاد درآمد

۳. گسترش بازار سهام

۴. ارتقای موقعیت رقابتی صنایع و کارایی آن‌ها.

دولت شیراک لیست کاندیداهای خصوصی‌سازی را برای تصویب به پارلمان

عرضه کرد در این مصوبه آمده بود که دولت در نظر دارد تا سال ۱۹۹۱، ۶۵ درصد



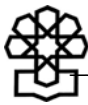
از سهام خود را در بانکها و سایر شرکتها به بخش خصوصی واگذار کند. در ضمن در کنار این مسأله برنامه عمومی دولت برای برداشتن کنترل قیمتها، ترغیب اشتغال در نزد جوانان و ساعات انعطافپذیرتر کاری مطرح شده بود.

: پس از تغییراتی، قانون تصویب شد و در آن تصریح شد، که ده درصد از سهام منتشره باید به کارکنان واحد موردنظر عرضه شود در ضمن میزان مجاز سرمایه‌گذاری خارجی در بسیاری از واحدها نیز بین ۱۵ تا ۲۰ درصد تعیین شد. همچنین دولت باید به مدت حداکثر ۵ سال یک سهام خصوصی در واحد خصوصی شده نگه دارد که به موجب آن اختیارات ویژه‌ای را داراست.

دولت شیراک علاوه بر تأکید بر خصوصی‌سازی، سیاست‌های دیگری را نیز همزمان اجرا می‌کرد. این سیاستها کاهش سوبسیدهای بخش دولتی را نشانه می‌رفت. برای نمونه دولت در سال ۱۹۸۶ اعلام کرد میزان کمک به بخش شرکت‌های دولتی ۱۷ درصد کاهش می‌یابد یا این که اعطای وام‌های بدون بهره را به صنایع دولتی منتفی کرد.

در ضمن تعداد بسیاری از مدیران شرکت‌های دولتی را در جهت بهبود مدیریت تغییر داد. یکی از وجوه منحصر به فرد خصوصی‌سازی در فرانسه اختصاص درصدی از سهام برای فروش خصوصی به گروهی از سرمایه‌گذاران که به اصطلاح «هسته سخت» معروف بودند می‌باشد. به طور معمول بین ۱۵ تا ۱۸ درصد از سهام به این گروه (مثلاً یک شرکت سرمایه‌گذاری فرانسوی یا صندوق بازنشستگی و غیره) اختصاص می‌یافت. به طور ثابت و خودکار ده درصد از سهام برای کارکنان در نظر گرفته می‌شد. یک سهم ویژه برای دولت نگاه داشته می‌شد و الباقی سهام به عموم عرضه می‌شد با این محدودیت که سرمایه‌گذاران خارجی بسته به نوع شرکت حداکثر بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از سهام را می‌توانند داشته باشند.

خصوصی‌سازی در این کشور از جمله بانکداری، بیمه، صنعت، خدمات و ارتباطات را شامل شد که از میان آنها می‌توان از فروش سهام



بانک های Societe General, Paribas، شرکت بیمه AGF، گروه نفتی Elf، Aquitaine، شرکت مخابراتی CGCT و شرکت تبلیغاتی Havas نام برد.

(

قبل از ۱۹۷۰ فقط ۶۶ بنگاه اقتصادی در بخش عمومی وجود داشت. اما در زمان حکومت آلنده (۱۹۷۳-۱۹۷۰) این بخش رشد چشمگیری کرد به طوری که در پایان سال ۱۹۷۳ اداره حدود ۶۰۰ بنگاه که تقریباً ۵۰ درصد از GDP را تشکیل می‌دادند در دست دولت بود. از این میان ۳۵۰ شرکت را دولت ملی اعلام کرد و مابقی طی این مدت ایجاد شدند. دولت نظامی که پس از کودتای ۱۹۷۳ به قدرت رسید یک برنامه اقتصادی (تثبیت اقتصادی و اصلاح ساختاری) را آغاز کرد. آزادسازی تجارت خارجی به میزان گسترده‌ای به اجرا درآمد، تعرفه‌ها مرحله به مرحله کاهش یافت، در زمینه سیاست ارزی، نظام تثبیت شده به صورت خزانده به طور صریح از سال ۱۹۸۲ به کار گرفته شد و به طور مرتب نرخ حقیقی ارز کاهش یافت، به طوری که تا پایان دهه ۱۹۸۰ ارزش پول کشور ۴۵ درصد کاهش یافت. تعدیلات انجام شده باعث شد صادرات از سال ۱۹۸۶ به بعد رشد چشمگیری داشته باشد.

خصوصی‌سازی در شیلی زیر را دنبال می‌کرد:

۱. کاهش بار مالی خزانه‌داری و ایجاد درآمد
۲. کوچک کردن سازمان‌های دولتی و کم کردن فعالیت‌های آن
۳. افزایش کارایی
۴. گسترش مالکیت؛ سرمایه‌داری مردمی و کارگری.

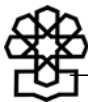
به منظور اداره و رهبری خصوصی‌سازی، ایجاد تشکیلاتی در درون Corfo (شرکت توسعه دولتی که در سال ۱۹۳۹ برای پشتیبانی از فعالیت‌های تولیدی و عهده‌دار شدن بعضی فعالیت‌های ملی به وجود آمده بود) بود. این مؤسسه مسئول نظارت بر واگذاری واحدهای دولتی بود.



• در این دوران، اکثر شرکت‌هایی که مصادره شده بودند به صاحبان و مالکان اصلی برگردانده شدند. در عرض دو سال، ۹۵ درصد از شرکت‌ها به صاحبان اصلی برگردانده شد. در این واگذاری‌ها پولی رد و بدل نمی‌شد و صاحبان اصلی واحدهای خود را به همان شکلی که کار می‌کردند یعنی با نیروی کار اضافه و سرمایه جاری محدود دریافت کردند. از میان ۲۵۹ شرکتی که در فاز اول خصوصی شد بیش از ۵۰ درصد از آن‌ها به علت مشکلاتی که طی سال‌های دولتی بودن برای آن‌ها به وجود آمده بود و به راحتی هم حل نمی‌شد در سال ۱۹۸۳ به مشکل مالی برخوردند و تعدادی ورشکست شدند. شرکت‌هایی که در این فاز خصوصی شدند از لحاظ ارزش اقتصادی و اندازه بزرگ‌ترین شرکت‌ها بودند.

• در این فاز دولت شرکت‌هایی را که بیش از ۵۰ درصد در آن‌ها سهامدار بود عرضه کرد و به حراج عمومی گذاشت. شرکت‌های دولتی در این دوره را می‌شد با یک پیش‌پرداخت و یک وام مستقیم از Corfo که مدت سررسید آن ۸ تا ۱۵ ساله بود و نرخ بهره آن ۸ تا ۱۱ درصد بود خریداری کرد (وام‌ها در ازای به وثیقه گرفتن دارایی‌های شرکت اعطا می‌شد) ۱۱۰ شرکت به این ترتیب خصوصی شدند.

• بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ به دلیل اشکالاتی که در واگذاری فازهای اول و دوم به وجود آمده بود (برای مثال بسیاری از شرکت‌هایی که در فاز اول به صاحبان اصلی برگردانده شده بود چون بدهی کلان داشتند و از نظر نیروی انسانی متورم شده بودند. صاحب قبلی نیز نمی‌توانست مشکلات آن‌ها را حل کند و ورشکسته شدند. از طرفی شرکت‌هایی که در فاز دوم فروخته شده بودند چون نرخ بهره زیاد بود با مشکلات مالی روبه‌رو شدند و تعدادی از آن‌ها نیز دوباره به مالکیت دولت درآمدند)،



خصوصی‌سازی برای مدت ۵ سال متوقف ماند تا این که از سال ۱۹۸۵ به بعد دوباره شروع شد.

یکی از این دوره توزیع گسترده مالکیت در میان سهامداران کوچک بود. برای نمونه در مورد بانک شیلی و صندوق بازنشستگی سانتا ماریا، Corfo پس از شناسایی بازار خریداران بالقوه، سهام را مستقیماً در بازار عرضه کرد. دولت از طریق Corfo وام‌هایی با سررسید ۱۵ ساله و بدون بهره و با ۵ درصد پیش پرداخت به سرمایه‌گذاران اعطا می‌کرد. امتیازات تشویقی دیگر نیز برای سرمایه‌گذاری‌های مردمی داده می‌شد، شامل ۳۰ درصد تخفیف به بدهکارانی که به موقع بدهی خود را بازپرداخت کنند و همین طور بعضی امتیازات مالیاتی دیگر.

• طی این دو سال نیز دولت بقیه شرکت‌های دولتی را عرضه کرد و فقط تعدادی کم‌تر از ۴۰ شرکت در اختیار Corfo باقی ماند.

از جمله این کشور در امر خصوصی‌سازی با آن‌ها برخورد کرد عبارتند از:

۱. با توجه به لزوم زیر پوشش گرفتن بسیاری از واحدهای قبلاً خصوصی شده در شیلی و عدم پیش‌بینی‌های لازم، هزینه خصوصی‌سازی با توجه به تبعات آن بسیار بالا بود.

۲. بازارهای سرمایه به قدر کافی توسعه نیافته بودند و نتوانستند ابزارهای مالی دیگری فراهم آورند.

۳. تمام اصلاحات در ساختار بازار و تمامی آزادسازی تجارت پس از شروع خصوصی‌سازی اتفاق افتاد.

۴. برنامه سریع تثبیت اقتصادی همزمان با خصوصی‌سازی انجام شد و در نتیجه کاهش بیش‌تر توان مالی و اقتصادی بخش خصوصی داخلی را به همراه آورد.

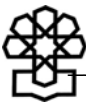


(

کشورهای بلوک شرق و از جمله رومانی حدود ۵۰ سال زیر سلطه نظام کمونیستی قرار داشته‌اند و این امر بر تمامی ابعاد زندگی مردم رومانی و نیز بر اقتصاد رومانی تأثیری بسزا داشته است. از خصوصیات اقتصادی این کشورها کنترل مالکیت توسط دولت و استفاده یکسان مردم از امکانات عمومی بود. پول در این کشورها نقش چندانی نداشت و جای آن را کوپن‌های مخصوصی که توسط دولت منتشر و توزیع می‌شد پر می‌کرد. بنابراین در این کشورها و از جمله در رومانی، قریب به اتفاق مردم در سطوح یکسان زندگی قرار داشته و امکان تجمع پول و سرمایه نزد افراد وجود نداشت.

در تابستان سال ۱۹۸۹ خصوصی‌سازی مؤسسات دولتی در کشور رومانی نیز مطرح گردید. براساس مصوبه‌ای در سال ۱۹۹۰، تمام مؤسسات دولتی به مؤسسات بازرگانی تبدیل شدند و در سال ۱۹۹۱ نیز قانون مربوط به خصوصی‌سازی مؤسسات دولتی در آن کشور تصویب گردید. شورای هماهنگی خصوصی‌سازی و اصلاحات اقتصادی زیرنظر نخست‌وزیر رومانی تشکیل گردید و در آن کمیته‌ای جهت هماهنگی میان وزارتخانه‌های مختلفی که امر خصوصی‌سازی به آن‌ها مربوط می‌شد به وجود آمد. همچنین جهت هماهنگی و نظارت بر امر خصوصی‌سازی مؤسسات دولتی، دو سازمان (صندوق سرمایه‌گذاری) تحت عنوان SOF و POF به وجود آمدند که تحت کنترل مجلس قرار داشتند و این خود موجب می‌شد تا خصوصی‌سازی شفاف شده و فشارهای سیاسی به حداقل ممکن تقلیل یابد. (دیگر وزارتخانه‌ها در امر خصوصی‌سازی دخالتی نداشته و استراتژی‌های خصوصی‌سازی به وسیله شورای هماهنگی و کمیته بین وزارتخانه‌ها تنظیم و اعلام می‌گردید).

۳۰ درصد از سهام مؤسسات دولتی رومانی توسط سازمان POF به مردم منتقل شد. جهت انجام این امر، برگه‌هایی به نام برگه‌های تأیید مالکیت به شکل اوراق بهادار انتشار یافته است که بدون نام بوده و در وجه حامل بود. در مقابل این برگه‌ها



سهام بدون دریافت هیچ وجهی به دارنده آن منتقل می‌شد و بدین ترتیب ۳۰ درصد مؤسسات دولتی در رومانی به صورت مجانی بین مردم تقسیم شد. از سویی ۷۰ درصد سهام مؤسسات دولتی نیز در اختیار سازمان SOF قرار داشت که به صورت نقدی واگذار شده یا در حراج فروخته می‌شد.

از زمان تصویب قانون خصوصی‌سازی تا اواسط سال ۱۹۹۳ تعداد ۲۲ مؤسسه دولتی کاملاً خصوصی شده است. این مؤسسات شامل صنایع متوسط و بزرگ در زمینه‌های مواد غذایی، الکترونیک و چند شرکت خدماتی بوده‌اند. طی سال ۱۹۹۳ لغایت ۱۹۹۴ نیز حدود ۶۵۰ شرکت کوچک و متوسط خصوصی شده‌اند. اغلب این شرکت‌ها توسط مدیران و کارکنان خود واحدها خریداری شده‌اند و بسیاری از دارایی‌های کوچک دولتی نظیر کارگاه‌ها، دفاتر اداری شرکت‌ها و مغازه‌ها نیز خصوصی شده‌اند. به عبارت دیگر خصوصی‌سازی در رومانی تنها شامل شرکت‌های صنعتی نمی‌شود بلکه تمام اموال منقول و غیرمنقول از قبیل هتل‌ها و رستوران‌ها، فروشگاه‌ها، منازل و زمین‌های کشاورزی که در زمان حکومت کمونیستی در اختیار دولت بوده مشمول طرح خصوصی‌سازی شده است.

(

۱. تاکنون بیش از ۱۰۰ کشور در امر خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی اقداماتی به عمل آورده‌اند.
۲. تا زمان تهیه این گزارش در سال ۲۰۰۱، مؤسسات دولتی که در سال ۱۹۷۹ ده درصد تولید ناخالص جهانی را در اختیار داشتند، صاحب ۶ درصد از تولید ناخالص جهان می‌باشند.



۲. تحقیق در این زمینه نشان داده است که با واگذاری شرکت‌های دولتی، بهره‌وری و سودآوری آن‌ها به گونه‌ای قابل ملاحظه بهتر شده است، کشورهای جهان در سال قبل در راستای خصوصی‌سازی رقمی معادل ۱۴۵ میلیارد دلار سهام شرکت‌های دولتی را فروخته‌اند که در میان این کشورها ایتالیا با فروش ۳۴/۵ درصد سهام خود در شرکت برق ENEL به میزان ۱۴ میلیارد دلار بالاترین فروش را داشته‌است. همچنین در فرانسه طی سال قبل با فروش بخشی از سهام شرکت Telecom ده میلیارد دلار به درآمد دولت اضافه شده است. لهستان در سال قبل فعال‌تر از سایر کشورهای عضو با عرضه ۳ میلیارد دلار سهام از بخش بانکداری، قدم‌های بلندی در این راستا برداشته است.

۴. براساس گزارش بانک جهانی، تعداد کشورهای در حال توسعه که سیاست خصوصی‌سازی را در کشورشان اتخاذ کرده‌اند از ۱۲ کشور در ۱۹۸۸ به ۴۳ کشور در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته‌اند. براساس همین اطلاعات طی همین مدت کشورهای در حال توسعه ۱۳۵ میلیارد دلار از دارایی‌های خود را فروخته‌اند که کشورهای امریکای لاتین و حوزه کارائیب با رقمی حدود ۵۴ میلیارد دلار در رأس کشورهای در حال توسعه قرار دارند.



این متن تلفیقی از شماری از نمونه قوانین خصوصی‌سازی کشورهای مختلف است و با این هدف تهیه نشده است که یک قانون استاندارد و الگو برای دیگر کشورها باشد بلکه صرفاً نشان دهنده رویکردهای ممکن در تهیه و تدوین چنین قانونی است.

1. The World Bank, Law on Privatization Legal Reform and Private Sector Development Unit, Legal Department, in [www.worldbank.org/legal/publications/privatization-civil.pdf](http://www.worldbank.org/legal/publications/privatization-civil.pdf).



.....

: خصوصی‌سازی بنگاه‌های متعلق به دولت؛ تأسیس سازمان خصوصی‌سازی (نام کشور) و تعریف کارکردها و وظایف آن؛ و مسائل و موضوعات مرتبط با فعالیت آن.

- در مجلس قانونگذاری (نام کشور)

- با رجوع به:

قانون اساسی، به‌ویژه اصول شماره... و... و...؛

قانون شماره ..... مربوط به شرکت‌های دولتی؛

قانون شماره ..... مربوط به قانون شرکت‌ها؛

قانون شماره ..... مربوط به رقابت در بازار؛

قانون شماره ..... مربوط به ...؛

به شرح ذیل به تصویب رسیده و به اجرا در خواهد آمد:

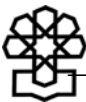


این قانون بیانگر مقررات عمومی مربوط به واگذاری تمام یا بخشی از بنگاه‌هایی است که دولت و نهادهای قانونی وابسته به آن به حکم قانون، تملک (تمام یا بخشی از) سرمایه آن را (که نباید از ۵۱ درصد کم‌تر باشد) به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در اختیار دارند.

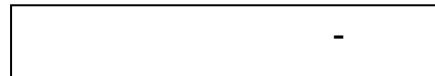
در سرتاسر این قانون، جز در مواردی که در متن مشخص شده باشد تعاریف ذیل جاری خواهد بود:



- «سازمان» به معنی «سازمان خصوصی سازی کشور (نام کشور)» است که طبق ماده ۳ این قانون تأسیس می‌شود؛
- «شریک» در ارتباط با هر شخص به معنی:
  - الف) شرکتی است که شخص به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، مالک یا کنترل کننده سهامی از آن است که در حال حاضر قابل تبدیل به سهمی با بیش از ۵ درصد حق رأی است و او تحت هر شرایطی یا به دلیل وقوع رویدادی که اتفاق افتاده است مالک آن محسوب می‌شود، یا این‌که شخص مزبور دارای تقدم قابل اعمال در خرید چنین سهمی یا چنین اوراق بهادار قابل تبدیلی است،
  - ب) شریک آن شخص که به نمایندگی از شراکت ایشان عامل است،
  - ج) یک شخصیت حقوقی که آن شخص دارای سهم (عمده‌ای) در آن است یا به‌عنوان عامل آن شناخته می‌شود،
  - د) همسر آن شخص،
  - هـ) برادر، خواهر، والدین یا فرزندان آن شخص یا همسران ایشان،
  - و) هر یک از بستگان شخص یا بستگان همسر وی که در محل سکونت آن شخص سکونت دارند.
- «مشاور» یعنی شخصی یا بنگاهی که برای هر یک از این دو کار می‌کند و توسط «سازمان» برای ارائه خدمات مشاوره در ارتباط با برنامه خصوصی به کار گرفته می‌شود.
- «سهم طلایی» یعنی سهمی از سرمایه یک شرکت، که به واسطه تبدیل یک بنگاه متعلق به دولت (و واگذاری آن به بخش خصوصی) طبق این قانون تشکیل شده، و طبق اساسنامه شرکت مزبور این سهم دارای حقوق ویژه‌ای است که دولت را قادر می‌سازد با در اختیار داشتن آن از منافع ملی حفاظت کند.
- «شخص» یعنی هر فرد، شرکت، انجمن، شرکت سهامی، یا یک نمایندگی دارای شخصیت حقوقی ثبت شده، به استثنای بنگاه‌های متعلق به دولت.



- «خصوصی سازی» یعنی معامله یا معاملاتی که با بهره‌گیری از یک یا چند روش مورد اشاره در ماده ۱۸ همین قانون به انجام رسیده و منجر به فروش بخش عمده‌ای از سهام کنترل کننده دولت در یک بنگاه متعلق به دولت به بخش خصوصی یا فروش بخش عمده‌ای از دارایی‌های چنین بنگاهی یا واگذاری کنترل عملیاتی یک بنگاه دولتی یا بخش اعظم دارایی‌های آن به بخش خصوصی می‌شود.
- «شرکت متعلق به دولت» یعنی یک بنگاه متعلق به دولت که ماهیتاً یک شرکت بوده یا طبق ماده ۱۵ این قانون به شرکت تبدیل شده است.
- «بنگاه متعلق به دولت» یعنی هر شرکت، شرکت سهامی، مؤسسه یا سازمانی که تحت تملک یا کنترل دولت (نام کشور) یا یک بنگاه دولتی است، یا در غیر این صورت یکی از سازمان‌ها یا دستگاه‌های اجرایی دولت را تشکیل می‌دهد ولی جزء دپارتمان‌ها (وزارتخانه‌ها) نیست.



۱. به واسطه این قانون سازمان خصوصی سازی (نام کشور) که دارای (حداکثر ۶) عضو است تأسیس می‌گردد. اعضای سازمان باید توسط (رئیس جمهور) (هر مقام مناسب دیگری) با توجه به تخصص و تجاربشان در این امور و به‌طوری‌که متضمن دستیابی سازمان به اهدافش باشد انتخاب می‌شوند. وزیر (.....) ریاست این سازمان را بر عهده خواهد داشت.
۲. سازمان یک شخصیت قانونی مستقل خواهد بود.

کرسی عضویت هر یک از اعضا در موارد ذیل خالی خواهد بود:



الف) مرگ یا برکناری عضو،

ب) در صورت غیبت غیرموجه وی در سه جلسه پیاپی سازمان، در صورتی که از قبل دعوتنامه شرکت در جلسه را دریافت کرده باشد،  
ج) در صورت عزل وی از عضویت در سازمان توسط (رئیس جمهور) (هر مقام مناسب دیگری).

هر عضو سازمان مطابق حقوق و مزایایی که در بودجه سالانه تعیین می شود حقوق دریافت خواهد کرد.

۱. وظیفه سازمان؛ برنامه ریزی، مدیریت، اجرا و کنترل فرایند خصوصی سازی بنگاه های دولتی است.

۲. علاوه بر وظایف کلی مندرج در پاراگراف (۱)، وظایف خاص ذیل نیز بر عهده سازمان خواهد بود.

الف) ارائه رهنمود و توصیه های تخصصی در زمینه خصوصی سازی به دولت،  
ب) ارائه حداقل یک برنامه خصوصی سازی در هر سال برای تصویب توسط (هر مقام مقتضی)، به منظور اجرا در دوره زمانی معین. این برنامه ها باید حاوی فهرستی از بنگاه های دولتی واجد شرایط برای خصوصی سازی باشد،

ج) اجرای هر برنامه خصوصی سازی طبق دستورالعمل ها و سیاست های صادره از سوی (رئیس جمهور یا هر مقام ذی ربط دیگر)،

د) ارزشیابی و قیمت گذاری بنگاه های دولتی یا دارایی های آنها که به بخش خصوصی واگذار خواهد شد،



ه) ثبت و نگهداری (بایگانی) سوابق، حفاظت از اطلاعات و برقراری رویه های اداری برای حصول اطمینان از حفظ و رعایت محرمانه بودن اطلاعات مربوط به بنگاه های دولتی،

و) حفظ همکاری نزدیک با تمامی مؤسسات و سازمان های ذی ربط در فرایند خصوصی سازی،

ز) انتشار و اعلام عمومی شرح فعالیت های هر برنامه خصوصی سازی.

طبق این قانون سازمان می تواند رویه ها و آیین نامه های اجرایی - داخلی خود را، خود تعیین کند.

۱. جلسات سازمان در زمان ها و مکان هایی که ریاست سازمان تعیین می کند برگزار خواهد شد،

۲. جلسات سازمان با رسیدن به حد نصاب لازم تشکیل خواهند شد،

۳. ریاست جلسات را:

الف) رئیس سازمان؛ یا

ب) در صورت غیبت وی، یا یکی از اعضا به انتخاب اعضای حاضر در جلسه که برای همان نوبت تعیین می شود، بر عهده خواهد داشت.

۴. تصمیمات سازمان در هر موردی باید تنها در صورت حضور اکثریت اعضا و با رأی اکثریت اتخاذ شود و در صورتی که تعداد آرای مثبت و منفی برابر باشد، رئیس

جلسه حق دارد علاوه بر رأی شخصی خود، رأی نهایی را برای تعیین نتیجه تصمیم گیری ارائه دهد،



۵. سازمان می‌تواند از هر شخصی که حضور وی را برای پیشبرد امور در جلسات مفید تشخیص می‌دهد، دعوت کند تا در جلسات شرکت کند و در بحث‌ها شرکت کند، ولی این شخص واجد حق رأی نخواهد بود،

۶. خالی بودن کرسی عضویت یک یا تعدادی از اعضا یا هرگونه نقص در انتصاب یک عضو، تأثیری بر اعتبار تصمیمات اتخاذ شده در سازمان نخواهد داشت.

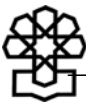
۷. باید ترتیبی اتخاذ شود که صورتجلسه‌ای از مذاکرات انجام شده در هر جلسه اعضای سازمان تهیه شده و در سوابق نگهداری شود. این امر شامل جلسات کمیته‌های فرعی سازمان نیز می‌گردد.

۱. سازمان می‌تواند به منظور انجام وظایف خود طبق این قانون کمیته‌هایی را تشکیل دهد و بخشی از وظایف خود را به این کمیته‌ها به صلاحدید خود، واگذار کند.

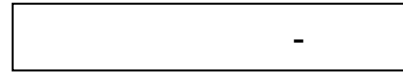
۲. سازمان می‌تواند طبق شرایط مندرج در پاراگراف (۱) کمیته‌های فرعی تشکیل داده و افرادی را اعم از اعضای سازمان یا افراد غیرعضو را برای مدتی که خود لازم می‌داند به این کمیته‌ها بگمارد.

۳. هر یک از کمیته‌های زیر مجموعه سازمان می‌توانند طبق خطوط کلی تعیین شده از سوی سازمان، آیین‌نامه اجرایی داخلی خود را تدوین کند و به اجرا بگذارد.

چنانچه شخصی در یک جلسه سازمان یا جلسات کمیته‌های آن حضور دارد که در آن جلسه درباره موضوعی بحث می‌شود که خود یا بستگان درجه اول وی یا شرکای کاری او به طور مستقیم یا غیرمستقیم در این موضوع ذی‌نفع هستند، باید در اسرع وقت پس از آغاز بحث این امر را به اطلاع اعضای حاضر در جلسه برساند و جز در صورت تشخیص و صلاحدید سازمان یا کمیته‌های تابعه، در بحث و



بررسی‌های مربوط به موضوع یا در رأی‌گیری و اتخاذ تصمیم در مورد آن هیچ مشارکتی نداشته باشد.



۱. سازمان، طبق شرایطی که خود تعیین می‌کند باید یک مدیر اجرایی برای خود انتخاب کند که در حکم مدیر عامل (CEO) سازمان خواهد بود و مسئولیت اداره امور روزمره سازمان را برعهده خواهد داشت.

۲. سازمان، باید برای خود یک قائم مقام مدیر عامل نیز طبق شرایط مورد نظر خود، انتخاب کند.

۳. مدیر عامل یا در غیاب او قائم مقام وی، باید در جلسات سازمان شرکت کرده و می‌تواند در بحث‌ها نیز مشارکت جوید لکن دارای حق رأی در هیچ موردی نخواهد بود.

در صورتی که رئیس جلسه به دلیلی لازم بداند می‌تواند از مدیر عامل بخواهد تا در جلسات شرکت نکند.

۴. ماده ۱۰، با تغییرات و تفاوت‌هایی که خود سازمان لازم می‌داند، در خصوص مدیر عامل و قائم مقام وی نیز نافذ و جاری است.

۱. سازمان باید یک دبیر یا منشی داشته باشد که با شرایط و ضوابطی که خود سازمان تعیین می‌کند انتخاب و منصوب خواهد شد.



۲. به منظور انجام امور اداری جاری سازمان خصوصی سازی، مدیر عامل می‌تواند به تشخیص خود افرادی را که لازم می‌داند طبق ضوابط و شرایط مورد نظر خود استخدام کند.

۱. هر یک از کارکنان سازمان، یا مشاوران آن که خود یا همسر وی، مستقیماً یا غیرمستقیم به لحاظ شخصی یا حرفه‌ای، در هر یک از موضوع‌های مرتبط با یک برنامه خصوصی سازی ذی‌نفع باشد، باید در اسرع وقت این موضوع را به مقام مسئول سازمان اطلاع دهد.

۲. مورد ذکر شده در پاراگراف (۱) باید به مدیر عامل اطلاع داده شود تا وی هر تصمیمی را که مقتضی می‌داند در این خصوص اتخاذ کند.

۱. هیچ فردی بدون اجازه کتبی منتشر شده از سوی سازمان یا نماینده رسمی آن، حق ندارد محتویات مدارک و مستندات، نامه‌ها، مکاتبات و اطلاعات مرتبط با فعالیت سازمان را که به واسطه انجام وظایف خود از آن‌ها مطلع می‌شود، در اختیار شخصی غیر قرار دهد مگر آن که به حسب وظیفه از وی خواسته شود تا چنین کاری را انجام دهد.

۲. هر فردی که دانسته و از روی آگاهی و اراده مفاد پاراگراف (۱) را نقض کند مجرم است، و مستوجب تحمل مجازات قانونی شامل جریمه نقدی تا حداکثر (...) یا حبس تا حداکثر (...) مدت زمان، یا هر دو خواهد بود.

۳. هر شخصی که اطلاعات به دست آمده از طریق نقض مفاد پاراگراف (۱) را در اختیار داشته و اقدام به انتشار غیرقانونی این اطلاعات یا انتقال آن به شخص دیگری



کند، طبق این قانون محکوم به پرداخت جریمه نقدی تا حداکثر (...) یا حبس تا حداکثر (...) مدت زمان) یا هر دو خواهد شد.



۱. مقام ذی‌صلاح می‌تواند طبق حکم دولتی: (الف) یک بنگاه دولتی را که واجد شرایط خصوصی سازی بوده و از نوع سهامی عام نباشد را به یک شرکت سهامی عام تبدیل کند (طبق قانون شرکت‌ها) و (ب) بخشی از سهام یک شرکت دولتی را در تملک دولت نگه داشته و به سهام طلایی تبدیل کند.

۲. مقام ذی‌صلاح می‌تواند، با اعلام کتبی به یک شرکت دولتی، هر زمان که صلاح بداند اعضای هیأت مدیره جدیدی را برای شرکت مزبور منصوب کند، هیأت مدیره انتصابی، در قبال عملکرد شرکت مزبور مسئول و پاسخگو خواهند بود.

۳. سهام دولتی باقیمانده در یک شرکت متعلق به دولت که خصوصی می‌شود باید (به مقام ذی‌صلاح به نمایندگی از دولت) واگذار شود.

۴. هر دارایی یا بدهی که در حکم صادره از سوی مقام ذی‌صلاح (پاراگراف (۱)) مشخص می‌شود باید به شرکت متعلق به دولت واگذار یا منتقل گردد.

۵. هرگونه دارایی یا بدهی که دولت تشخیص می‌دهد می‌تواند پس از تبدیل بنگاه دولتی به شرکت دولتی، به آن واگذار کند، صرف نظر از این‌که در توافقنامه یا قانون، این واگذاری مجاز شمرده شده یا نشده باشد.

۶. هر جا که انتقالی از نوع شرح داده شده در پاراگراف (۴) صورت می‌گیرد:

(الف) این انتقال نباید شخصی را محق گرداند که حقوق یا دیون دولت یا شرکت دولتی را نقض کرده، تغییر دهد یا به هر طریق براساس یک قانون یا توافقنامه معتبر تحت تأثیر قرار دهد.



(ب) دولت همچنان در قبال اشخاص ثالث که بستانکار شرکت محسوب می‌شوند مدیون خواهد بود، گویا که اساساً چنین انتقالی صورت نگرفته است؛ و  
(ج) از تاریخ انتشار اطلاعیه (حکم) مورد اشاره در پاراگراف (۱) این ماده، کلیه قراردادهای و فعالیت‌های انجام شده توسط شرکت متعلق به دولت، باید قراردادی تلقی شود که شرکت متعلق به دولت در آن دخیل است.  
[به این معنی که ماهیت قرارداد همچنان دولتی است - مترجم]

مقام ذی‌صلاح می‌تواند با صدور حکم دولتی و طبق قانون شرکت‌ها نسبت به انحلال یک شرکت یا بنگاه متعلق به دولت اقدام کند. در این صورت مدیر عامل سازمان خصوصی سازی به عنوان مدیر تصفیه آن بنگاه یا شرکت منصوب خواهد شد.

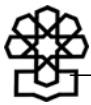
هر بنگاه دولتی واجد شرایط خصوصی سازی باید:

(الف) کلیه دستوراتی را که به صورت کتبی از سوی سازمان خصوصی سازی به آن ابلاغ می‌شود به منظور آماده‌سازی بنگاه (یا دارایی‌های آن) برای واگذاری به بخش خصوصی، انجام دهد.

(ب) سوابق تجاری و دفاتر حسابداری خود را همواره به روز نگه دارد؛

(ج) یک برنامه دو ساله سرمایه‌گذاری و تأمین مالی و نیز یک برنامه پرورش و توسعه نیروی انسانی برای خود تهیه کند؛

(د) صورت‌حساب‌های مالی سالانه خود را تهیه کرده و حداکثر ظرف ۴ ماه پس از به پایان رسیدن هر سال مالی، این صورت‌حساب‌ها را حسابرسی کند (توسط سازمان حسابرسی منتقل).



(ه) حساب دارایی ثابت را در دفاتر خود نگهداری کند که می‌باید با صورت‌حساب‌های مالی آن مطابقت داشته و حسابرسی شود.

(و) هیچ اقدامی انجام ندهد که منجر به اتلاف یا از دست رفتن دارایی‌های بنگاه شود.

(ز) نسبت به اجرای برنامه‌های سرمایه‌گذاری جدید اقدامی نکند، مگر آن‌که در این ارتباط مدارک ارزیابی پروژه‌ای را تهیه کرده باشد که سازمان خصوصی سازی را نسبت به یکی از موارد ذیل قانع کند:

۱. بازسازی و نوسازی کارخانه، تجهیزات، ماشین‌آلات و خودروهای مورد استفاده بنگاه ضرورت دارد؛

۲. سرمایه‌گذاری مورد نظر دارای دوره بازدهی کم‌تر از ۲ سال است؛ یا

۳. انجام این سرمایه‌گذاری‌ها ظرف کم‌تر از ۲ سال موجب کاهش دیون خالص بنگاه (علاوه بر مخارج سرمایه‌گذاری انجام شده) خواهد شد؛ یا

۴. سرمایه‌گذاری ظرف کم‌تر از ۲ سال منجر به کاهش هزینه‌های عملیاتی به میزانی بیش از مخارج سرمایه‌گذاری انجام شده خواهد شد؛

(ح) هیچ بدهی جدیدی جز دیون مالی عادی که در جریان فعالیت‌های روزمره تجاری به وجود می‌آیند، برای خود به وجود نیاورد مگر با اجازه کتبی سازمان خصوصی سازی؛

(ط) هیچ اطلاعاتی را جز اطلاعاتی که به طور معمول در جریان فعالیت‌های روزمره تجاری ردوبدل می‌شود، در اختیار اشخاص ثالث قرار ندهد که موجب امتیازی برای ایشان یا سرمایه‌گذاران احتمالی آتی شود؛

(ی) به دستور سازمان خصوصی سازی، هرگونه هزینه در ارتباط با خصوصی سازی بنگاه را در موارد ذیل پرداخت کند:

۱. کارمزد ارزشیابی دارایی‌ها،

۲. هزینه‌های قانونی،



۳. مخارج تبلیغاتی و چاپ آگهی‌ها؛

۴. مخارج بازاریابی؛

۵. سایر مخارج و هزینه‌ها؛

(ک) به دستور سازمان خصوصی‌سازی، هرگونه اطلاعاتی که سازمان تعیین می‌کند منتشر کرده یا در اختیار اشخاصی که سازمان تعیین می‌کند قرار دهد؛  
(ل) از انجام هرگونه اقدام یا اقداماتی که منجر به بروز ناآرامی‌های کارگری شود خودداری ورزد.

سازمان می‌تواند هر یک از شیوه‌های خصوصی‌سازی ذیل را [به صلاحدید خود] انتخاب کند:

(الف) عرضه عمومی سهام،

(ب) فروش سهام از طریق مذاکره یا مزایده رقابتی،

(ج) فروش مستقیم شرکت‌های تابعه یا دارایی‌های یک بنگاه دولتی،

(د) واگذاری بنگاه دولتی به مدیران یا کارکنان همان بنگاه،

(ه) قراردادهای اجاره، پیمان مدیریتی یا اعطای امتیاز،

(و) هر شیوه دیگری که سازمان مناسب تشخیص بدهد.

سازمان می‌باید برای اعلام قصد خود مبنی بر خصوصی‌سازی، آگهی مربوطه را حداقل در [دو] نشریه پرتیراژ در سطح ملی و حداقل در دو مقطع زمانی با فاصله زمانی بیش از ۷ روز کاری منتشر کند. این آگهی باید شامل جزئیات روش خصوصی‌سازی، شرایط شرکت در مزایده و آخرین مهلت شرکت در مزایده باشد.



۱. ارزشیابی و ارزشگذاری یک بنگاه دولتی یا دارایی‌های آن باید توسط ارزیابان مستقل [کارشناسان رسمی] انجام شده و منجر به صدور گواهی ارزشیابی رسمی و ارائه آن به سازمان خصوصی‌سازی شود.

۲. ارزشیابی و قیمتگذاری یک بنگاه دولتی متعلق به دولت یا دارایی‌های آن باید به ترتیب ذیل انجام شود:

(الف) ارزشیابی باید مبتنی بر ارزش جاری بنگاه یا دارایی‌های آن به عنوان یک شرکت دایر انجام شود،

(ب) اگر بنگاه دولتی، یک بنگاه دایر نباشد، ارزشیابی و قیمتگذاری باید بر مبنای خالص ارزش دارایی‌های آن انجام شود،

(ج) سازمان خود می‌تواند یک روش ارزشیابی و قیمتگذاری محافظه‌کارانه‌تر را انتخاب کرده و اعمال کند.

۳. تعیین خالص ارزش دارایی‌ها باید مبتنی بر:

(الف) ارزش بازاری املاک و مستغلات که توسط یک ارزیاب املاک و مستغلات تعیین می‌شود،

(ب) ارزش جایگزینی دارایی‌های مادی بنگاه (بجز املاک) با احتساب استهلاک آن‌ها و

(ج) ارزش منصفانه سایر دارایی‌ها باشد.

طبق مفاد این قانون، هر شخصی حقیقی یا حقوقی اعم از آن‌که شهروند [نام کشور] باشد یا طبق قانون تجارت [نام کشور] تشکیل شده باشد، می‌تواند در خصوصی‌سازی مشارکت کند.



هیچ یک از اعضای سازمان خصوصی‌سازی، یا اعضای کمیته‌های آن یا کارکنان یا مشاوران یا شرکای ایشان، حق ندارند مستقیماً یا غیرمستقیماً، جز در عرضه عمومی سهام، در سایر روش‌های خصوصی‌سازی مشارکت کنند.

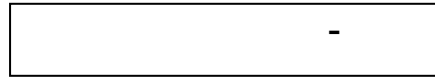
۱. جز در مورد عرضه عمومی سهام، سازمان باید یک گروه مذاکره‌کننده برای خصوصی‌سازی تشکیل دهد.

۲. هر یک از اعضای گروه مذاکره‌کننده باید:

- الف) دارای صلاحیت حرفه‌ای، تجربه و اعتبار تجاری مناسبی باشد،
- ب) تعهدنامه حفظ اسرار و اطلاعات محرمانه را طبق مندرجات تعیین شده از سوی سازمان امضا کند و
- ج) قبل از پذیرفتن عضویت در گروه مذاکره‌کننده، ذی‌نفع بودن احتمالی خود (اعم از نفع حرفه‌ای یا شخصی) در معامله موردنظر را اعلام کند.

سازمان خصوصی‌سازی پس از انجام هر معامله خصوصی‌سازی بلافاصله با انتشار اطلاعیه‌ای در روزنامه رسمی کشور موارد ذیل را اعلام کند:

- الف) نام بنگاه دولتی و خلاصه‌ای از معامله انجام شده،
- ب) مشاورانی که در فرایند معامله به سازمان خصوصی‌سازی مشاوره داده‌اند،
- ج) نام و آدرس برنده مزایده،
- د) هرگونه اطلاعات دیگری که لازم و ضروری به نظر می‌رسد.



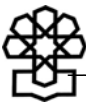
۱. کلیه درآمدها و عایدات خصوصی‌سازی باید پس از کسر هزینه معاملات، به یک حساب «درآمد خصوصی‌سازی» که توسط وزیر مسئول امور مالی خصوصی‌سازی افتتاح شده، واریز شود.

۲. وزیر مسئول امور مالی خصوصی‌سازی می‌تواند عایدات حاصله از خصوصی‌سازی را به امور ذیل اختصاص دهد:

- الف) تسویه تمام یا بخشی از دیون بنگاه‌های متعلق به دولت، از جمله دیون تحمیل شده به دولت به منظور آماده‌سازی بنگاه موردنظر برای خصوصی‌سازی، یا
- ب) تأمین هزینه‌های پرداخت حق سنوات و سایر پرداخت‌های جبرانی بابت تعدیل نیروی انسانی بنگاه‌های دولتی که به بخش خصوصی واگذار می‌شوند، با مشورت و رایزنی وزیر کار و تأمین اجتماعی،
- ج) بازپرداخت دیون رسمی داخلی یا خارجی کشور.

۱. وجوهات واریزی به صندوق سازمان خصوصی عبارتند از:

- الف) وجوهی که در چارچوب قانون بودجه سالانه به منظور انجام وظایف محوله به حساب سازمان واریز می‌شود، یا
  - ب) کمک‌های نقدی یا غیرنقدی پرداختی به سازمان.
۲. پرداخت‌های مجاز از صندوق سازمان خصوصی عبارتند از:
- الف) حقوق و مزایای کارکنان سازمان،
  - ب) هزینه سفرها، مأموریت‌ها و حقوق اعضای سازمان یا اعضای کمیته‌ها طبق نرخ و ارقام پیش‌بینی شده در بودجه سالانه و





ج) سایر هزینه‌هایی که سازمان خصوصی‌سازی در انجام وظایف خود متحمل می‌شود.

سال مالی سازمان خصوصی‌سازی باید دوره ۱۲ ماهه منتهی به [۳۱ دسامبر] هر سال باشد.

۱. سازمان باید ترتیبی بدهد تا دفاتر حسابداری و سوابق امور مالی آن به طریق مقتضی و به فراخور حال سازمان نگهداری شود.

۲. حساب‌های سازمان خصوصی‌سازی باید هر ساله توسط حساب‌برسان مستقل که خود سازمان تعیین می‌کند حسابرسی شود.

۱. سازمان خصوصی‌سازی موظف است هر سال حداکثر ظرف شش ماه پس از به پایان رسیدن سال مالی، گزارش فعالیت‌های خود طی آن سال را به مقام ذی‌صلاح ارائه دهد.

۲. گزارش مورد اشاره در پاراگراف (۱) باید حاوی اطلاعات مالی لازم بوده و مدارک ذیل به آن ضمیمه شود:

الف) ترازنامه حسابرسی شده،

ب) صورت‌حساب حسابرسی شده درآمدها و هزینه‌ها،

ج) هر اطلاعات مالی دیگری که سازمان خود لازم بداند.

۳. گزارش فوق باید در اسرع وقت منتشر شده و در معرض و دسترس عموم قرار گیرد.



مقام ذی‌صلاح باید:

الف) خط‌مشی و دستورالعمل‌های خصوصی‌سازی را تدوین کند،

ب) هر یک از برنامه‌های خصوصی‌سازی را تصویب کند،

ج) روش خصوصی‌سازی در مورد هر یک از بنگاه‌های دولتی یا دارایی‌های آن را در چارچوب پارامترهایی که خود تعیین کرده است، تأیید کند.

مقام ذی‌صلاح در رایزنی با سازمان خصوصی‌سازی (یا به توصیه آن) از طریق صدور دستور [فرمان دولتی] [حکم دولتی] [یا بخشنامه] موارد ذیل را تعیین می‌کند:

الف) آیین‌نامه‌ها و رویه‌های برگزاری مزایده،

ب) آیین‌نامه‌ها و رویه‌های پذیره‌نویسی عمومی،

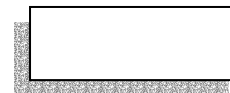
ج) آیین‌نامه‌ها و رویه‌های تعیین صلاحیت و ثبت‌نام از متقاضیان شرکت در مزایده‌ها،

د) الزامات مربوط به اطلاعیه‌های عمومی،

هـ) هرگونه فرمی که به منظور اجرای این قانون مورد نیاز باشد،

و) هرگونه کارمزد قابل پرداخت در ازای خدماتی که سازمان خصوصی‌سازی ارائه می‌دهد،

ز) هرگونه موضوع دیگری که برای اجرای هر چه بهتر این قانون ضروری یا مفید باشد.



:	
: خصوصی سازی: میانی، تجارب	
: مطالعات برنامه و بودجه	: شاهی عربلو (کمیسیون اقتصادی)
: محمد رضا مجلل	: ناهید حکیم شوشتری - محمد قاسمی
:	
۱. خصوصی سازی (Privatization)	
۲. واگذاری سهام	
۳. شرکت های دولتی (State – Owne Enterprise)	
۴. خصوصی سازی - قانون (Privatization – law)	
:	
در انتهای گزارش ذکر گردیده است.	

۱. کیانی، منوچهر؛ هاشمی، ابوالقاسم؛ روستا، علی؛ جهانخانی، علی؛ مه آبادی پور، محمدرضا؛ خصوصی سازی (شرایط، تجربیات) جلد اول و دوم؛ سازمان صنایع ملی ایران؛
۲. سازمان خصوصی سازی «گزارش مراحل پیشرفت برنامه خصوصی سازی منطبق با مفاد فصول دوم و سوم قانون برنامه سوم توسعه»؛ مهرماه ۱۳۸۱.
۳. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور؛ معاونت امور اقتصادی و دفتر هماهنگی امور شرکت ها؛ «ارزیابی سیاست خصوصی سازی در ایران»، آذرماه ۱۳۷۶.
۴. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور؛ «معاونت امور اقتصادی دفتر هماهنگی امور شرکت ها و خصوصی سازی؛ «ارزیابی سیاست خصوصی سازی در ایران»، اسفندماه ۱۳۷۳.
۵. سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران «گزارش عملکرد فروش سهام از سال ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۸۰»،
۶. سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران «گزارش عملکرد واگذاری شرکت های تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران ۱۳۷۹-۱۳۶۹» اردیبهشت ماه ۱۳۸۰.
۷. حمیدی، غلامرضا؛ «طراحی مدل خصوصی سازی در ایران»، پیام ایران خودرو، سال ۱۳۸۱.
۸. تقوی، مهدی؛ خلعتبری، فیروزه؛ رئیس دانا، فریبرز؛ صداقت، پرویز؛ «خصوصی سازی از تئوری تا عمل (مجموعه مقالات)»؛ شرکت سرمایه گذاری سازمان صنایع ملی ایران. انتشارات آگاه، ۱۳۷۴.